

۵

سالروز قیام و سیاهکل را پاس داریم

بودجه‌ای با متجاوز از یک صد هزار میلیارد ریال کسری

" همه به خوبی می دانند ما یک انقلاب عظیم زیرو رو کننده نظام گذشته را که طبعا همراه با نابسامانی های اقتصادی بوده است، پشت سر گذاشته ایم و به فاصله کمی از آن، با یک جنگ ۸ ساله پر هزینه و در همان اثنا کاهش شدید قیمت و میزان صورنفت مواجه شده و در دهه اول انقلاب، فرصت توسعه و شکوفایی اقتصادی به دست نیاوردیم. پس به اعتراف خودشان در دهه نخست به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، البته با تبیین تحریف شده نتوانسته اند کاری انجام دهند. چرا که ضد انقلاب اسلامی می بایستی با سرکوب و کشتار مردم، پایه های خود را مستحکم کند و فرصت پرداختن به اقتصاد را نداشت. می بایستی برای انحراف توجه مردم از مسائل داخلی و توجیه برقراری اختناق به یک جنگ هشت ساله متوسل گردد و تمام درآمد های حاصل از نفت و تلاش کارگران ایران را که برخلاف ادعای نبوی به مدت چند سال با کم سابقه ترین بهای هر بشکه نفت تا ۴۰ دلار همراه بود، صرف این جنگ و کشتار مردم ایران و عراق کند. اما ۱۵ سال پس از نخستین دهه چه؟ لاید تصور می کنید که وی خواهد گفت که از

صفحه ۳

مجلس ارتجاع اسلامی، در نیمه اول بهمن ماه، بررسی لایحه بودجه سال ۸۲ را آغاز کرد و در هشتم بهمن ماه، کلیات آن را تصویب نمود.

و خامت اوضاع اقتصادی و ورشکستگی مالی دولت که در بودجه سال ۸۲، انعکاس آشکاری یافته است، حتا به طرفداران خاتمی نیز جرات دفاع از این لایحه را نداد. چنان رسوایی برای دولت به بار آمد، که نایب رئیس مجلس، بهزاد نبوی وارد صحنه شد که هم به طرفداران خاتمی جرات بدهد و هم این که از کابینه دلجویی کند. اما، در نهایت او هم چیزی در چنته نداشت و ناگزیر اذعان نمود که اوضاع اقتصادی و مالی بسیار وخیم است. نبوی در نطق خود گفت: "مخالفتان اصلاحات انقدر روی مشکلات اقتصادی، ضعف عملکرد اقتصادی اصلاحات و بی توجهی دولت به حل مسائل معیشتی مردم تاکید و روی آن تبلیغ کرده اند که برخی از ما اصلاح طلبان هم اتهامات فوق را مفروض گرفته ایم." اما، بلافاصله خود وی پس از این جمله می افزاید " نمی گویم وضع اقتصادی کشور ایده آل است. نمی گویم شکوفایی اقتصادی در کشورمان قابل مقایسه با چین، کشور های آسیای شرقی و حتا ترکیه است."

حمله نظامی آمریکا،

مقدمه جنگ جهانی سوم!؟

تدارک نظامی حمله آمریکا به عراق، به مراحل نهایی رسیده است. دولت امپریالیستی و جنگ طلب آمریکا، برای آغاز حمله نظامی بی تابی می کند. نیروهای نظامی آمریکا در اطراف مرزهای عراق به حالت آماده باش ایستاده و مشغول آزمایش کردن ساز و برگ تسلیحاتی و تجهیزات نظامی خود هستند تا از قدرت عمل آن در کشتار و تخریب اطمینان حاصل کنند. وقتی که "هانس بلیکس" رئیس کمیسیون تشخیص نظارت و بازرسی سازمان ملل، بعد از ۶۰ روز تحقیق و بازرسی در عراق، در گزارش خود از عدم همکاری عراق در بازرسی ها و نقض مفاد قطعنامه ۱۴۴۱ سازمان ملل صحبت کرد و در مورد سلاح های شیمیایی، میکروبی و موشکی در عراق اعلام نگرانی نمود، بلافاصله جرج دبلیو بوش بر تهدیدات خویش علیه عراق افزود، و از پایان "مهلت" صدام حسین سخن گفت. این در حالیست که "محمد البرادعی" رئیس آژانس بین المللی انرژی هسته ای، در نشست شورای امنیت اعلام کرد که بازرسان تسلیحاتی در باز- دیدهای خود، هیچ سلاح ممنوعه ای در عراق نیافته اند. وی گفت "ما تمامی ساختمان ها و تاسیسات را از طریق تصویر برداری ماهواره ای بررسی کردیم، هیچ فعالیت ممنوعه هسته ای یافت نشد." نامبرده ضمن اشاره به این موضوع که عراق تسهیلات لازم را در اختیار بازرسان قرارداده و مدرکی مبنی بر نقض قطعنامه های سازمان ملل دیده نشده است، چنین اظهار نظر نمود که برای اظهار نظر قطعی، باید اجازه داده شود کار هیئت بازرسی طبق روال انجام شود. در عین حال بعد از اظهار نظر های مختلف در مورد گزارش هیئت بازرسی، طارق عزیز هم قول داد که طرف عراق در آینده از این هم بیشتر با بازرسان همکاری خواهد کرد.

معهدا، گوش کسانی که برای تهاجم نظامی

صفحه ۲

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۷)

و محدودتر داشت. اما درگیری آنها شدیدتر از آلمان بود.

فمینیسم اشرافی

تا انقلاب ۱۹۰۵ از وجود جنبش زنان در روسیه نمی توان سخن به میان آورد. گرچه گروههایی از زنان فمینیست وجود داشتند.

صفحه ۸

در این شماره، اولین بخش از فصل جنبش زنان در روسیه از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان درج می شود.

مارکسیست های روسیه و زنان کارگر

جنبش زنان سوسیالیست و زنان بورژوا در روسیه، در مقایسه با آلمان که طی دوره ای در مبارزه با یکدیگر بودند، عمری کوتاه تر

۵

برگزاری اولین اجلاس «فوروم اجتماعی» در آسآ

۵

اجلاس «فوروم اجتماعی» در برزیل

ضمیمه نشریه کار:

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ
گفتگوی نشریه کار با رفیق اختای (از سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی)

در این شماره

- ۶ گزیده ای از نامه های رسیده
- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان

از صفحه ۱ حمله نظامی آمریکا، مقدمه جنگ جهانی سوم؟!

به عراق، از قبیل تصمیم گرفته‌اند، بدهکارین حرف‌هانیست. جرج بوش نماینده انحصارات مالی و صنایع نظامی آمریکا که برای حمله نظامی به عراق لحظه شماری می‌کند، در نطق سالیانه خود به کنگره آمریکا، وعده داد که ظرف چند روز اطلاعات جدیدی در باره تسلیحات هسته‌ای و جنگ افزارهای میکروبی و شیمیایی که عراق آنها را پنهان کرده است و نیز مدارکی مبتنی بر حمایت صدام از اعضا "القاعده" را منتشر خواهد کرد. "کالین پاول" وزیر خارجه آمریکا این وظیفه را برعهده گرفته است تا در روز پنجم فوریه این اسناد را رو کند. دولت آمریکا گرچه می‌کوشد موافقت "شورای امنیت" را برای اقدام نظامی علیه عراق جلب کند و ظاهر آشورت با سایر دولت‌ها و جلب نظر آنها نیز هنوز به کلی منتفی نشده است و از همین زاویه هم‌هست که می‌خواهد قطعنامه جدیدی در این مورد تصویب کند تا بعد از دادن یک ضرب‌الاجل کوتاه به صدام حسین، حمله نظامی مجاز شمرده شود. مع هذا جرج بوش چندین بار به صراحت گفته است و اخیراً نیز تکرار و تاکید نمود که حتی در صورت عدم وجود توافق عمومی در این "شورا" حمله نظامی را آغاز خواهد کرد و برای "حفظ امنیت مردم و صلح جهانی!" در راس یک ائتلاف، این جنگ را رهبری خواهد کرد. تونی بلر نماینده دولت انگلیس نیز کرازا از کشورهای اروپایی خواسته است از قطعنامه ای در شورای امنیت سازمان ملل که استفاده از نیروی نظامی علیه عراق را مجاز بداند، تبعیت نکند. در عین حال گفته است که وتوی یک کشور نباید و نمی‌تواند مانع اقدام نظامی علیه عراق گردد. بوش و بلر در عین این تهدیدات بیمارگونه، اظهار امیدواری نموده اند که صدام حسین، خودش از مسند قدرت کنار برود، تا ارتش آمریکا و متحدین وی، بدون هیچ مانع و رادعی وارد عراق شوند و با اشغال این کشور و رقم زدن سرنوشت آن، کل منطقه را تحت کنترل خود درآورند. گرچه شمار زیادی از کشورهای منطقه روسیه، فرانسه، چین، آلمان که نقش مهمی در این معادلات بازی می‌کنند، در لحظه فعلی دلیلی برای استفاده از زور و حمله نظامی نمی‌بینند و خواستار اعطاء فرصت بیشتر به کمیسیون تشخیص نظارت و بازرسی سازمان ملل هستند تا مسئله، حتی المقدور از راه سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل شود و در همین رابطه، همکاری کامل عراق را خواستار شده‌اند. مع هذا دولت آمریکا پاره‌ای از کشورهای اروپایی را به همراهی و دنباله روی از خود کشانده است. علاوه بر تونی بلر سخنگوی دولت انگلیس و نوکر حلقه به گوش آمریکا، که به طرز حقارت آمیز و طوطی واری حرف‌های بوش را تکرار می‌کند، ایتالیا، دانمارک، پرتغال، لهستان، مجارستان، چک و اسپانیا نیز اخیراً در بنیانه مشترکی حمایت خویش را از اقدام نظامی آمریکا علیه عراق اعلام داشته‌اند. صدور این بیانیه، در حالی که توسط رئیس فعلی اتحادیه اروپا محکوم شده است، عمیقاً مورد توجه و قدرانی بوش قرار گرفته است. این مسئله که حاکی از تعمیق بحران اقتصادی در کشورهای امپریا - لیستی به ویژه آمریکا و تشدید تضاد میان گروه بندی های امپریالیستی است و اندک اندک دارد بر سر مسئله عراق کانونی می

شود، منطقه خاورمیانه را به یک قدمی یک جنگ ویرانگر و امپریالیستی کشانده است. دولت آمریکا در برافروختن جنگ و حمله نظامی، برخلاف مورد افغانستان، چندان هم نگران افکار عمومی و یا به شکل سابق در قید جلب رضایت سایر کشورهای بزرگ از جمله کشورهای اروپایی نیست. اگر در گذشته تبلیغات دامنه‌داری صورت می‌گرفت تا فضای روانی حمله نظامی به افغانستان و یا عراق، فراهم گردد و جنگ و یورش نظامی، توجیه و مورد پذیرش واقع گردد، بحران اقتصادی و مالی در آمریکا این بار به قدری تعمیق یافته است و اوضاع اقتصادی آن قدر وخیم شده است که جنگ را حتماً بدون فضا سازی یا جلب توافق نهادهای رسمی بین‌المللی، به مسئله روز و دستور کار دولت امپریالیستی آمریکا تبدیل نموده است. چنین است که تظاهرات ضد جنگ میلیون‌ها انسان در سراسر جهان نیز نادیده گرفته می‌شود. اصرار و قلدرمنشی جرج دبلیو بوش رئیس جمهور آمریکا برای جنگ و حمله نظامی به عراق، ولو آنکه شخص او و به درستی به داشتن خصائلی چون لجبختی و نادانی و سفاقت اشتهار یافته است، اما ربطی به شخصیت و خصائل وی ندارد. او در واقعیت امر دارد حرف های صاحبان شرکت های صنعتی و نظامی آمریکا را می‌زند و دنبال جنگ برای تامین منافع و سود این شرکت - ها، جنگ برای نفت و گاز، جنگ برای تقسیم مجدد بازار و جنگ برای انتقال و تخفیف بحران امپریالیسم آمریکا است. صدام و سلاح های شیمیایی و هسته‌ای و امثال آن تماماً توجیه و بهانه است. امروز اکثر مردم جهان، حتی عقب مانده ترین لایه‌های اجتماعی هم، در عین آنکه بر ارتجاعی بودن و ضد مردمی بودن رژیم بعث، تاکید می‌کنند، اما به مقاصد واقعی و تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا نیز پی برده‌اند و از همین روست که وسیع‌ترین جنگ "نه" می‌گویند. جنگی که نه فقط مسلمانان و بیچارگان و مغرب‌نشینان را در بر می‌گیرد و بی‌دفاع در و با دردیگر مردم زجر کشیده و بی‌دفاع در آتش آن خواهند سوخت و قربانی باغی‌گری و توحش سرمایه داری امپریالیستی خواهند شد، بلکه این جنگ در عین حال می‌تواند نتایج بسیار خطرناک و فاجعه‌آمیزی برای مردم سایر کشورهای منطقه و کل جهان داشته باشد. روشن است که حمله نظامی آمریکا به عراق و استقرار نیروهای نظامی آن در این کشور، صرفاً به سلطه آمریکا بر عراق و مناطق نفتی این کشور محدود و خلاصه نخواهد شد. اهداف استراتژیکی آمریکا از این زورگویی و تجاوز نظامی فراتر از این‌هاست و گام بعدی بی شک اشغال و کنترل سایر مناطق نفتی و تسلط و کنترل خلیج فارس است. حمله نظامی آمریکا و اشغال عراق، به هر شکل و هر زمان صورت بگیرد، در این شکی نیست که به نفع دولت های اروپایی و انحصارات مالی و صنعتی آنها نیست بالعکس تماماً به زیان این کشورها و به معنی از دست دادن بخشی از بازارها و نفوذ سیاسی آنها در عراق و در کل منطقه است. این مسئله به معنای وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی بحران زده کشورهای اروپایی و تشدید و تعمیق بحران در این کشورها و به یک عبارت انتقال بخشی از بحران امپریالیسم آمریکا، به این کشورهاست. فرانسه، آلمان، روسیه و برخی دیگر از کشورها که هنوز با حمله نظامی آمریکا موافقت نکرده‌اند چنین چشم‌اندازی

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران نختاب

کارگران کارخانه نساجی نختاب فروزان تبریز، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد - ها، روز ششم بهمن بار دیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در محل کارخانه، خواستار پرداخت دستمزد های معوقه و رسیدگی به سایر مشکلات خود شدند. فرماندار تبریز که در محل تجمع کارگران حضور یافته بود، به کارگران قول داد که به مشکلات آنان رسیدگی شود. بیش از ۷ ماه است دستمزد کارگران پرداخت نشده است.

* تجمع اعتراضی کارگران سیمین

کارگران کارخانه سیمین اصفهان، بار دیگر دست به اعتراض زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. صدها تن از کارگران این کارخانه، روز شنبه ۵ بهمن، با تجمع در برابر کارخانه، نسبت به تاخیر چندین ماهه پرداخت دستمزدها، شدیداً اعتراض کرده و خواستار پرداخت فوری دستمزدهای خویش شدند. این کارگران، همچنین نسبت به تغییر ساختار کارخانه اعتراض دارند و خواهان لغو قانون بازخرید کارگران اند.

* نامه اعتراضی کارگران پشم بافی

کارگران شرکت مجتمع پشم بافی "پارس بیستون" که متعلق به خیریه همدانیان وابسته به حوزه علمیه اصفهان می باشد، با امضاء یک طومار، نسبت به عدم پرداخت به موقع دستمزدها اعتراض کردند. کارگران خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، خواستار بازگشت به کار کارگرانی شدند که توسط مدیر عامل کارخانه اخراج شده اند. در نامه اعتراضی کارگران، همچنین به بلوکه شدن مبلغ ۱۵ میلیون تومان سهام شرکت تعاونی مصرف متعلق به ۶۰۰ کارگر و نیز عدم در اختیار گذاشتن سپرده های کارگران در صندوق قرض الحسنه که بالغ بر ۳ میلیون تومان است، اعتراض شده است. شایان ذکر است که مدیر کارخانه، تهیه کنندگان طومار را نمایندگان کارگران ندانسته و کارگران را به ایجاد بحران در کارخانه متهم کرد.

* ۵ کارگر معدن جان باختند

در اثر ریزش کوه در محل استراحت کارگران معدن آریا سنگ در بخش آباد طشک نیریز فارس، بار دیگر شماری از کارگران زحمتکش معدن، جان خویش را از دست دادند و قربانی طامع و سودجویی سرمایه داران شدند. در اثر این حادثه دلخراش که ساعت ۵/۵ بامداد روز هفتم بهمن رویداد، پنج تن از کارگران جان خود را از دست دادند و شش کارگر دیگر که حال آنها وخیم گزارش شده است، به سختی مصدوم شدند.

* تجمع اعتراضی دانشجویان

دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه ارومیه، در اعتراض به کمبودهای زیستی و آموزشی،

بودجه‌ای با متجاوز از یک صد هزار میلیارد ریال کسری

دیگر، مفادیر کلانی دریافت می‌کنند. به عنوان نمونه به بسیج، سوای بودجه رسمی، معادل ۲۰۰ میلیارد ریال جداگانه، تحت عناوین مختلف، از جمله احداث پایگاه، ایجاد کانون‌های جوانان بسیج و بسیج جوانان سازندگی و غیره اختصاص داده شده است. دهها هزار میلیارد ریال نیز به وزارتخانه‌های دیگر و کل دستگاه‌های بوروکراتیک، مذهبی و تبلیغی رژیم اختصاص یافته‌است، که با این حساب، درآمدهای حاصل از نفت و مالیات هم به زحمت جابجایی این هزینه‌های کلان ماشین انگل دولتیست. حداقل هزینه‌های آموزشی و بهداشتی هم روی هوا مانده است، تاچه رسد به بودجه عمرانی. خلاصه کلام، آنچه که توده‌های زحمتکش در سال آینده برای تامین هزینه‌های دولت می‌پردازند، خواه درآمد نفت که محصول تلاش و زحمت و استثمار کارگران است و خواه به‌صورت مالیات، بازهم کفاف‌هزینه‌های دستگاه اختاپوس وار دولتی را نمی‌کند. رقمی متجاوز از صد میلیارد کسری بودجه باقی ماند، که رژیم جمهوری اسلامی بار آن را نیز بر دوش طبقه کارگر و توده‌ها زحمتکش و ستمدیده انداخته است. تشدید استثمار کارگران، گرانی روز افزون کالاها و سرعت گرفتن نرخ رشد تورم تنها نمونه‌هایی چند از دست آوردهای بودجه سال ۸۲، برای توده‌های کارگر و زحمتکش ستمدیده اند.

از صفحه ۲

اخباری از ایران

روز یکشنبه ششم بهمن، دست به تجمع اعتراضی زدند. معاون دانشجویی دانشگاه با حضور در جمع دانشجویان، بروجود پاره‌ای از نقائص و کمبودها صحنه گذاشت و از دانش‌جویان خواست در برابر سختی‌ها از خود "سعه‌صدر" نشان دهند.

* اعتصاب معلمان

چند هفته است که معلمان منطقه ۱۵ تهران از حضور در کلاس‌های درس امتناع ورزیده و دست به اعتصاب زده اند. همچنین روز سه شنبه هشتم بهمن جمع زیادی از دبیران با تجمع در برابر اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران واقع در خیابان خاوران، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. در هفته اول بهمن ماه، معلمان منطقه ۸ نیز به این حرکت اعتراضی پیوسته و دست به اعتصاب زده اند. معلمان خواستار افزایش حقوق‌اند و نسبت به انتصاب مدیریت - ها شدیداً اعتراض دارند. آخرین خبرها حاکی از آن است که نیروهای انتظامی، تجمع اعتراضی معلمان در برابر اداره آموزش و پرورش را مورد یورش قرار داده‌است.

* این‌ها نمایندگان کارگران نیستند

به گزارش "رویداد"، به دنبال دیدار هیئت اعزامی سازمان بین‌المللی کار به سرپرستی جر نیکنان در مهر ماه سال جاری از ایران، هیئتی متشکل از نمایندگان انجمن صنفی روزنامه نگاران، انجمن صنفی رانندگان حمل و نقل جاده‌ای و شورا‌های اسلامی کاراستان تهران، به منظور ملاقات و مذاکره با مسئولان سازمان بین‌المللی کار وارد ژنو شدند. ILO قاعدتاً باید بداند که این هیئت، ربطی به کارگران ایران ندارد و اینها نماینده واقعی کارگران نیستند.

با توجه به این که در ایران اساساً درآمد مالیاتی دولت از طریق مالیات غیرمستقیم، از توده‌های زحمتکش مردم گرفته می‌شود و این بخش اصلی قابل وصول است، لذا به‌رغم این که دولت در لایحه بودجه‌امسال نیز بهای تعداد دیگری از کالاها و خدمات مورد نیاز مردم را افزایش داده‌است و بدین طریق می‌کوشد بار هزینه‌های خود را هرچه بیشتر به دوش توده‌های زحمتکش بیاندازد، معهداً قادر نیست، این افزایش را تا حد چند ده هزار میلیاردی که مورد نظرش می‌باشد، برساند. لذا آنچه که از درآمد پیش‌بینی شده نفت و مالیات تحقق نیابد و از هم اکنون روشن است که رقمی چند ده هزار میلیارد ریالی باشد، کسری بودجه خواهد بود که عجلاناً با ذکر ارقام غیر واقعی پوشانده شده‌است. ۲/۵ میلیارد دلار، معادل ۲۱۰۰۰ میلیارد ریال برداشت از صندوق ذخیره ارزی، قرار است بخش دیگری از کسری بودجه سال ۸۲ را بپوشاند. تازه با توجه به ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلار بدهی رژیم، و هزینه‌های هنگفت خرید تسلیحاتی که حکومت در پی آن است، بعید است بتواند آن راه حساب این کسری نیز واریز کند. بخش دیگری از کسری بودجه معادل ۱۷۰۰۰ میلیارد ریال، باید از طریق استقراض از خارج تامین گردد. ۵۴۰۰ میلیارد دیگر، از این کسری باید از طریق فروش اوراق قرضه تامین شود. فروش کارخانه‌ها و موسسات عمومی متعلق به توده‌های زحمتکش، اما مالکیت دولت، قرار است ۱۶۰۰۰ میلیارد ریال از این کسری بودجه را بپوشاند. مبلغ ۴۲۰۰۰ میلیارد ریال هم قرار است که اگر فروش نفت نسبت به آنچه که برای هزینه‌های عمرانی لازم است، مازاد داشته، از این طریق تامین گردد که اصل مسئله هم زین سؤال است تا چه رسد به مازاد فروش آن. سرانجام این که ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال دیگر هم باقی مانده‌است که هرچه تلاش کرده‌اند نتوانسته‌اند، یک منبعی هم برای پوشش دادن این بخش از کسری بودجه پیدا کنند. لذا همین مبلغ را به عنوان کسری بودجه ذکر کرده‌اند، در حالی که کسری بودجه دولت برای سال آینده، در واقعیت امر، از رقمی معادل ۱۰۰۰۰۰ میلیارد ریال هم متجاوز می‌کند. چرا که حتی یک‌ادم بی‌اطلاع از علم اقتصاد هم می‌داند که وقتی منبع تامین یک بودجه، دهها هزار میلیارد ریال قرض گرفتن، پیش‌فروش کردن، فروش دارایی‌ها و ارقام ساختگی غیر قابل تحقق باشد، همه آنها بیان چیز دیگری جز کسری بودجه دولت نیستند. در این لایحه بودجه، از آنچه که نقداً عاید دولت می‌گردد، یک قلم نزدیک به ۴۰۰۰۰ میلیارد ریال رسماً به هزینه‌های نیروهای مسلح اختصاص داده شده است. چندین هزار میلیارد ریال نیز به ارگان‌ها و نهادهای رنگارنگ دیگر نظامی، انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی اختصاص یافته است، که تنها از مبلغ ۴ هزار و ۷۵ میلیارد ریالی که مجلس به بودجه ارگان‌های سرکوب افزود که ۳ هزار میلیارد ریال آن راقرار شد، ارتش و سپاه بین خود تقسیم کنند، ۷۵۰ میلیارد ریال توسط مجلس به بودجه نیروهای انتظامی افزوده شد. ۱۰۰ میلیارد به بودجه وزارت اطلاعات و ۱۹۵ میلیارد ریال به بودجه وزارت کشور افزوده شد. این هم‌همنوز پایان ماجرا نیست. هر یک از این ارگان‌ها و نهاد‌های سرکوب سوای این بودجه رسمی، دردها بند و تبصره

این پس "فرصت توسعه شکوفایی اقتصادی" لااقل در حدود کشور ورشکسته‌های نظیر ترکیه حاصل آمده است. اما حتا این ادعا نیز بالاخره دلیل و مدرک می‌خواهد و نبوی چون خود می‌داند که وضع بسی خراب‌تر از آن است که بخواهد اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی را با ترکیه و مالزی و امثالهم مقایسه کند، "النهاییه می‌گوید: "وضع اقتصادی کشور در سال‌های اخیر و خصوصاً سال ۸۲ و با اجرای قانون بودجه پیشنهادی (که البته هنوز باید منتظرش بود) اگر مطلوب‌تر از سال‌های بعد از جنگ و پیش از سال ۷۶ نباشد، بدترین است" به این ترتیب بار دیگر، مقایسه به سال‌های قبل از ۷۶، حتا به دهه نخست حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران باز می‌گردد، که اگر وضع بهتر از آن سالها نباشد، خراب‌تر هم نیست، پس به این منوال، تکلیف ادها‌های خاتمی که در عرصه سیاسی روشن شد، در عرصه اقتصادی چه می‌شود که به تازگی از فتح الفتوحات برنامه‌های اقتصادی خود سخن می‌گوید؟ نبوی پاسخ می‌دهد: "اصلاحات هرگز ادعای بزرگی در زمینه اقتصادی نداشته و اصلاح ساختاری و نهادینه اقتصاد در گرو اصلاحات سیاسی دانسته و می‌داند. " لذا چون "اصلاحات سیاسی" توخالی از کار درآمد، "اصلاحات اقتصادی" هم همین سرنوشت را داشت. نبوی که در جریان بحث‌های مجلس ارتجاع بر سر لایحه بودجه، به صحنه آمده بود تا به طرفداران خاتمی جرات دفاع از لایحه بودجه کابینه وی را بدهد، به نقطه‌ای رسید که شکست و ناتوانی جمهوری اسلامی را در همه عرصه‌ها جار زد. او که در جریان سخنرانی خود فراموش کرده بود، چند دقیقه قبل از آن وعده "توسعه و شکوفایی اقتصادی" را خصوصاً برای سال ۸۲ و با اجرای قانون بودجه پیشنهادی، داده بود، ادامه داد که وضع اقتصادی و مالی چنان وخیم است که: "در بودجه سال ۸۲ با تمام تلاش‌ها، حدود ۸۳۰۰۰ میلیارد تومان در قبیل بیش از ۳۰۰۰۰ میلیارد تومان بودجه جاری، صرف کارهای عمرانی می‌شود. همین مبلغ نیز با صرفه جویی در حین اجرای بودجه به حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان کاهش خواهد یافت." این که همین مبلغ ناچیز بودجه به اصطلاح عمرانی، بتواند صورت واقعیت به خود بگیرد، هنوز جای بحث است. چرا که کل بودجه دولت در سال آینده بر اساس مفروضاتی بنا شده است که تا جایی که امکان تحقق داشته باشد، حتا کفاف هزینه‌های هنگفت دستگاه‌های انگل بوروکراتیک و نظامی دولت را هم نمی‌دهد. در لایحه بودجه سال ۱۳۸۲، منابع عمده تامین هزینه‌های دولت از این قرار مشخص شده است: ۱۲۳۰۰۰ میلیارد ریال از طرق درآمد نفت و ۹۹۰۰۰ میلیارد ریال کسب مالیات. این ارقام به قدری غیر واقعی ست که حتا کارشناسان اقتصادی رژیم هم امکان تحقق آنها را محال می‌دانند. فروش روزی حدود ۲ میلیون بشکه نفت با متوسط ۲۳ دلار هر بشکه، چیزی نیست که با توجه به نوسانات شدید بهای نفت در بازار جهانی و کاهش روز افزون ارزش برابری دلار به سادگی امکان پذیر باشد. در مورد مالیات هم نیز وضع بر همین منوال است. با توجه به وصول درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۸۰ و درده ماه سال جاری، لااقل یک سوم آن امکان تحقق ندارد.

اخبار کارگری جهان

* ادامه اعتراضات جهانی علیه جنگ

پس از اعتراضات جهانی علیه جنگ که روز ۱۸ ژانویه برگزار شد، روز ۲۷ ژانویه و هم زمان با انتشار گزارش کارشناسان سازمان ملل متحد در مورد سلاح های کشتار جمعی دولت عراق، موج دیگری از این اعتراضات چندین کشور جهان را دربرگرفت. با انتشار این گزارش دست امپریالیست های آمریکایی برای آغاز حمله خود به عراق کاملا باز شده و همین امر خشم دهها هزار نفر در سراسر جهان را برانگیخت. دفتر سازمان ملل در شهر دمشق، پایتخت سوریه، شاهد تجمع اعتراضی هزاران نفر بود و علاوه بر این در یمن، بحرین و مراکش نیز جوانان خشمگین به خیابان ها آمده و ضمن اعتراض به امپریالیست ها، همبستگی خود با مردم عراق را به نمایش گذاشتند. در هند نیز هزاران نفر در یکی از میادین اصلی شهر بمبئی تجمع کرده و با مسدود نمودن خیابان ها، از حرکت اتومبیل ها جلوگیری نمودند و خواستار توقف اقدامات جنگ طلبانه امپریالیست ها شدند. در بغداد، پایتخت عراق نیز هزاران نفر به خیابان ها آمده و علیه سیاست جنگ طلبانه امپریالیست ها اعتراض نمودند. علاوه بر تظاهرات کنندگان عراقی، دهها فعال ضد جنگ که از کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا در این کشور تجمع کرده اند نیز در این تظاهرات حضور داشتند.

گسترش موج اعتراضات تنها به منطقه خاور میانه محدود نشد و چند شهر اروپایی هم شاهد برگزاری تظاهرات ضد جنگ بود. در منطقه وستفالن، فعالین ضد جنگ راهپیمایی و رودی به یک مرکز نظامی ناتو راه مدت یک ساعت مسدود نمودند و شهرهای بوخوم و آخن شاهد راهپیمایی بیش از ۵ هزار نفر بود. تظاهرات ضد جنگ در شهر کلن نیز بیش از ۱۰ هزار نفر را به خیابان ها کشاند و در چند شهر دیگر نیز تظاهراتی در اعتراض به جنگ امپریالیستی علیه عراق انجام گرفت. در تظاهرات ضد جنگ در انگلستان و ژاپن، حضور نظامی آمریکا در این ۲ کشور مورد اعتراض تظاهر کنندگان قرار گرفت. به ویژه تجمعات اعتراضی علیه جنگ در شهر های توکیو و یوکوزو وکا به سرعت رنگ ضد آمریکایی به خود گرفت و فعالین ضد جنگ خواهان خروج نیرو های نظامی از خاک ژاپن شدند.

جنبش بین المللی ضد جنگ با تمام توان مشغول تدارک یکرشته تظاهرات علیه جنگ است که روزهای ۱۵ و ۱۶ فوریه در سراسر جهان برگزار خواهد شد.

* ادامه مبارزات

آتش نشانان در انگلستان

مبارزات بیش از ۵۵ هزار مامور آتش نشانی در انگلستان همچنان ادامه دارد. دولت این کشور به رهبری حزب کارگر، سرگرم تدارک جنگ علیه عراق است و در حال حاضر بیش از ۳۵ هزار سرباز خود را به کشورهای مجاور عراق اعزام نموده تا در صورت وقوع جنگ، در کنار سربازان آمریکایی برای تحقق اهداف امپریالیست ها به گشتدم توپ ماشین جنگی آنها بدل شوند. تمام این تشبثات تهدید آشکار

آتش نشانان اعتصابی را از سوی مقامات دولت، و درراس آنها نخست وزیر این کشور تونی بلر به همراه داشته است. اکنون دولت انگلستان صحبت از تصویب قانونی علیه این اعتصاب می کند و تلاش دارد، همچون دولت دانمارک که در زمان اعتصاب عمومی این کشور در سال ۱۹۹۶، راه حل خود را به صورت لایحه قانونی برای کارگران اعتصابی لازم الاجرا کرد، نحوه افزایش دست -مزدها به اعتصابیون را با استفاده از جو موجود به صورت لایحه دولتی درآورده و اجرای آن را برای اعتصابیون لازم الاجرا نماید. این اقدامات، خشم اعتصابیون را برانگیخت و در همین راستا روز ۲۲ ژانویه، تمامی آتش نشانان دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. به رغم آماده سازی نیروهای نظامی، در این روز بیش از ۳۰ هزار سرباز ارتشی به عنوان "اعتصاب شکن" به مراکز اطفا حریق اعزام شدند. دومین اعتصاب آتش نشانان در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژانویه برگزار شد. در این روز ها نیز اعتصابیون در چند نقطه شهر لندن تجمع نمودند و خواهان افزایش دستمزدهای خود به میزان ۴۰٪ شدند. دولت انگلستان وضعیت اقتصادی و احتمال جنگ با عراق را بهانه قرار داده و اعلام نموده است که تنها می تواند دستمزد آتش نشانان را به میزان ۴ درصد افزایش دهد و در عین حال نزدیک به ۴۵۰۰ نفر از آتش نشانان نیز اخراج خواهند شد.

* اعتراض معلمان در گواتمالا

روز ۲۹ ژانویه، هزاران معلم در سراسر گواتمالا دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. خواست اعتصابیون افزایش حقوق بود. در این روز خیابان های شهر گواتمالا سیتی، پایتخت گواتمالا، شاهد راهپیمایی و تجمع بیش از ۳۰ هزار معلم در میدان مرکزی شهر بود. با این حرکت وسیع و یک پارچه، تمامی مدارس در این کشور تعطیل شدند. معلمان اعتصابی اعلام نمودند که حقوق آنان باید حداقل ۲ برابر شود تا آنها بتوانند از عهده پرداخت هزینه زندگی خود و خانواده خود برآیند. دولت این کشور وخامت وضعیت اقتصادی را بهانه کرده و اعلام نمود که تنها می تواند حقوق معلمان را به میزان ۴ درصد افزایش دهد. نماینده معلمان اعتصابی در سخنان خود در این روز اعلام کرد که دولت گواتمالایی می تواند با کاهش هزینه های نظامی خود، نه تنها حقوق معلمان بلکه حقوق و دست -مزد کارگران و دیگر کارکنان را به حد لازم افزایش دهد.

* اعتصاب کارگران راه آهن در اسلواکی

روز ۲۹ ژانویه، کارگران راه آهن در اسلواکی دست به یک اعتصاب ۶ ساعته زدند. با آغاز این اعتصاب، حرکت قطار های مسافری و باری در سراسر این کشور به طور کامل متوقف شد. این اعتصاب برای اولین بار پس از جدایی جمهوری اسلواکی و جمهوری چک در سال ۱۹۹۳ انجام می گردد و نشان از تشدید مبارزه کارگران برای احقاق حقوق خود دارد. در روز های قبل از این اعتصاب، مقامات دولت اعلام نمودند که به دلیل اوضاع وخیم اقتصادی، ۲۵ درصد از خطوط راه آهن این کشور باید تعطیل گردد. با اعلام این خبر، کارگران که جانشان از ندانم کاری مقامات دولتی و گسترش ارتشاء و فساد مالی در دستگاه دولتی به لبشان رسیده، اعتصاب

از صفحه ۲

حمله نظامی آمریکا، . . .

را می بینند و این را می فهمند که در حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن، منافع آنها به مخاطره خواهد افتاد. دول امپریالیست - لیستی اروپا البته که به سادگی حاضر نخواهند شد از سهم خویش چشم پوشی کنند و یا از این منافع دست بشویند. بنابراین حمله نظامی آمریکا به عراق، به جنگ آمریکا و عراق محدود نخواهد ماند. این جنگ می تواند تمام منطقه را به آتش بکشد و جنگ های بزرگ تری در سطح جنگ بین امپریالیست ها را نیز در پی داشته باشد. این جنگ حتمی تواند به مقدمه جنگ جهانی سوم تبدیل شود.

توحش و بربریت نظام سرمایه داری که اکنون در سایه برتری طلبی نظامی آمریکا و به نام "حفظ امنیت مردم و صلح جهانی" می رود تا فاجعه عظیمی را بر بشریت امروز تحمیل کند، بار دیگر گنبدی که نظم ارتجاعی و ضد بشری سرمایه داری را در معرض دید جهانیان گذاشته است. بدیهی است که اکثریت عظیم مردم جهان، به روی نظمی که موجودیت و ادامه حیاتش در گرو جنگ و ویرانی است، نظمی که موجودیت و ادامه حیاتش در گرو زورگویی آشکار و تشدید استثمار و بردگی است، نظمی که موجودیت و حیاتش به کشتار و تغذیه خون انسان ها گره خورده است، تف می اندازند. اکثریت عظیم مردم جهان، حمله نظامی و تجاوز کارانه آمریکا و کشتار مردم بی دفاع عراق را محکوم می کنند و به این جنگ راهزنانه که به نام " صلح " دارند آن را برمی افروزند، نه می گویند.

را تنها راه به عقب راندن دولت و تحقق خواسته های خود اعلام نمودند. در عین حال اعتصابیون اعلام نمودند که این تنها آغاز مبارزه بوده و مبارزه آنها برای حفظ کارهای خود تا پیروزی کامل ادامه خواهد یافت.

* اعتصاب نفتگران کلمبیا

روز ۱۶ ژانویه، بیش از ۴ هزار نفر از کارگران انبارهای نفت در شهر بوگوتا، پایتخت کلمبیا، دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اعتراض به دعوت اتحادیه نفتگران کلمبیا انجام شد. خواست اعتصابیون در این حرکت افزایش دستمزدها و آزادی یکی از رهبران اتحادیه نفتگران بود که به بهانه ارتباط با گروه های چریکی در باز-داشت به سر می برد. اعتصابیون اعلام نمودند که تنها جرم رهبر آنها دفاع از منافع کارگران بوده و در صورت عدم آزادی فوری وی اقدامات اعتراضی آنها ادامه خواهد یافت.

* اعتصاب کارگران فولاد بلژیک

روز ۲۴ ژانویه هزاران تن از کارگران صنایع فولاد بلژیک در اعتراض به تعطیل چند کارخانه فولاد که منجر به بیکاری ۲۰۰۰ کارگر می شود، دست از کار کشیدند. کار فرمایان کارخانجات Cockerill-Sambre به منظور افزایش سودهای خود، سعی در تعطیل شعباتی از کارخانه فوق در منطقه Luik بلژیک نموده اند. این کارخانجات که در حاشیه بنادر قرار ندارند، جزء اولین سربازان مرکزی هستند که به تعطیل کشانده می شوند.

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ

گفتگوی نشریه کار با رفیق اختای

از سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی

و به دنبال آن جنگ با عراق، کارکردهای آن تا حدود زیادی مختل شده و از کارایی آن به نحو قابل ملاحظه ای کاسته شده است، از میان بردارند و با برقراری نظم و قانون در جامعه راه را برای گسترش سرمایه گذاری خارجی هموار سازند.

امروزه خود "اصلاح طلبان حکومتی" به ناتوانی خویش در اجرای برنامه - هایشان معترف اند، آنان برای کارآمد ساختن بوروکراسی دولتی که یکی از حلقه‌های مهم در بازتولید سرمایه داری ایران است، نتوانسته - اند کارزایدی انجام دهند. این بوروکراسی دولتی که طی حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و مشخصاً از دهه ۶۰ به بعد به نحو قابل ملاحظه - ای گسترش یافته است، به محل کسب و کار انواع باندهای مافیایی قدرت مبدل شده است. این باندهای مافیایی که هر کدام در گوشه‌ای از این بوروکراسی لانه کرده اند با استفاده از اهرم‌های قدرت دولتی تا آنجا که می‌توانند شیره جان میلیون ها کارگر و مردم زحمتکش را می‌مکند و بر ثروت‌های بادآورده خود می‌افزایند به طوری که علی‌رغم خصوصی سازی بسیاری از بنگاهها و توپ و تشر رفتن به برخی از آقا زاده ها و باند های وابسته به آنان و حتا به محاکمه کشیدن برخی از آنان، این بوروکراسی همچنان در فساد دست و پا می زند. در عین حال توفیق "اصلاح طلبان حکومتی" در کنترل مبارزات مردم نیز بیشتر از موفقیت آنان در سایر برنامه‌هایشان نبوده است. آنان پی برده‌اند که اعتراضات اجتماعی در ایران بسیار عمیق‌تر و ریشه دارتر از آنست که با ترفندهای آنان از پیشروی باز ایستند. از این روست که آنان در برابر تهاجمات و سرکوب های افسار گسیخته "اقتدارگرایان" کرنش می‌کنند و تنها در برخی موارد که دامنه این سرکوب‌ها گریبانگیر خود آنها نیز می‌شود، ناله ای از سر عجز و ناتوانی سر می دهند. بی‌شک این شرایط متحول سیاسی، بازتاب‌های مشخص خود را بر حرکت اپوزیسیون‌های مختلف رژیم که به افشار و طبقات مختلف جامعه تعلق دارند، برجای می‌گذارد و آنها را به تکاپو و راهجویی‌های عملی بر می انگیزاند. در همین راستاست که می‌بینیم بعد از سال‌ها در صفوف نیروهای کمونیستی و چپ انقلابی یعنی آن دسته از کمونیست‌هایی که دست رد بر سینه اصلاح طلبان و رفرمیست‌ها و سازشکاران می‌زنند، حرکتی شکل می‌گیرد که برخلاف گذشته مضمونی وحدت طلبانه و همگرایانه دارد. انگیزه ما نیز از همراه شدن در این حرکت تقویت پروسه همگرایی و همسویی نیرو - های کمونیستی و چپ انقلابی بوده است و انتظار ما در وهله اول این است که این مجموعه علی‌رغم تشتت نظری و سیاسی خود بتواند و به اعتقاد من می‌تواند مبانی یک کارمشتک رامیان خود ایجاد کند. حرکت مشترک اخیر این مجموعه، بسیاری از دیوارهای کاذبی را که ما به دور خود کشیده بودیم فرو ریخت و همین امر این امیدواری را ایجاد می‌کند که در آینده بتوانیم امکان مرزبندی‌های واقعی تری را فراهم گردانیم.

کار- ارزیابی شما از نشست اول چیست؟

اختای- در این شکی نیست که نشست اول در یک مسئله مهم و اصولی به توافق دست یافت، موضوعی که تنها مبین جنبه ای از هویت نیروهای تشکیل دهنده نشست مشترک است. منظور من مرزبندی است که این نیروها

کار - بیش از یک سال است که از برگزاری اولین اجلاس و انتشار بیانیه "نشست مشترک نیروها و فعالین کمونیست و چپ" می‌گذرد. اولین سؤال ما از شما این است که با چه پیش زمینه‌ای در این امر شرکت کرده اید و انگیزه و چشم انداز شما چیست؟

اختای- نگاهی به فضای سیاسی موجود در میان نیروهای اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی در چند سال اخیر نشان دهنده گذر از دوره گسست و جدایی‌ها به دوره همگرایی و همسویی و تشکیل تجمع‌های نوین سیاسی با خط و مرزهای شفاف‌تر سیاسی می‌باشد. این گرایش عمومی که تنها منحصر به نیروهای کمونیستی و چپ نبوده بلکه در میان جریان‌های بورژوازی اپوزیسیون رژیم نیز به طور فزاینده ای به چشم می‌خورد و تاکنون به شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های چندی هم منجر گردیده است، بیانگر یک اوضاع تغییر یافته سیاسی در جامعه است. از آنجا که زمینه تقویت گرایش‌ها و وحدت طلبانه اخیر میان نیروهای تشکیل دهنده نشست مشترک و از جمله جریان ما نیز ریشه در همین اوضاع متحول سیاسی دارد، لازم می‌دانم در پاسخ به سؤال شما به این موضوع به طور مختصر اشاره کنم.

رژیم جمهوری اسلامی بعد از سرکوب خونین سازمان‌های سیاسی در دهه ۶۰ و کشتار هزاران تن از زندانیان سیاسی و کمونیست‌ها در سال ۶۷، تصور می‌کرد که با در دست داشتن افیون مذهب و تحمیق توده‌ها می‌تواند زندانی به وسعت تمام ایران برای مردم بسازد و جزیره ثبات و امنیت را بار دیگر در ایران برقرار سازد تا شرایط مناسب و مطلوبی را برای چپاول و استثمار آن دسته از قدرت‌های امپریالیستی که در روی کار آوردن این رژیم نقش‌اساسی داشتند فراهم سازد. اما در دهه هفتاد در مقابل چشمان ناباور سردمداران رژیم موج نوینی از مبارزات اجتماعی برخاسته از سوی طبقات و اقشار فرودست جامعه، سراسر کشور را در بر گرفت و تمام محاسبات رژیم را نقش بر آب نمود. سراسر "جامعه اسلامی" از کارخانه‌ها و مدارس و دانش‌گاه‌ها گرفته تا خیابان‌ها و ورزشگاه‌ها همه جا صحنه مبارزات اجتماعی مردمی گردید که برای کسب حقوق اجتماعی پایمال شده خود به مبارزه علیه رژیم روی آوردند. امواج این مبارزات که از اواسط دهه هفتاد به نحو آشکاری بروز اجتماعی یافته است، همواره گسترش می‌یابد و بر دامنه و عمق آن افزوده می‌گردد. در حالی که جناح "اقتدارگرای" رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشد با افزایش دامنه سرکوب و کشتار عمومی و توسعه فضای رعب و وحشت در جامعه، مردم را بار دیگر به تمکین از حاکمیت خویش وادارد، بخشی از حاکمین جمهوری اسلامی یعنی "اصلاح طلبان حکومتی" با آگاهی از نارضایتی رو به افزایش مردم و با علم بر ناکارایی شکل کنونی رژیم در پاسخ به حداقل نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم، تلاش دارند با طرح شعارهایی چون جامعه مدنی، مردم سالاری دینی، برقراری نظم و قانون و به طور کلی قرائتی جدید از مذهب، راه حل جدیدی برای تداوم بقاء نظام جمهوری اسلامی و دور نگه داشتن آن از تعرض توده‌های انقلابی ارائه دهند. هدف "اصلاح طلبان حکومتی" این است که قبل از هر چیز موانع نظام اقتصادی سرمایه‌داری وابسته و بوروکراتیک را که در اثر قیام سال ۵۷

در تقابل با اصلاح طلبی و رفرمیست و سازشکاری به دان دست یافتند. این مرزبندی در عین حال بیانگر آن است که این مجموعه به مارکسیسم انقلابی و مبنای انقلاب پرولتری پای بند است. با این حال روشن است که خواست سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از طریق اعمال قهر توده ای، خرد کردن ماشین دولتی بوروکراتیک - نظامی وابسته به امپریالیسم و تلاش در جهت شکل دادن، تقویت و گسترش شوراهای کارگران و زحمتکشان و تبدیل آنها به ارگان های اعمال حاکمیت مستقیم توده ها، هنوز در ارتباط با مسائل برنامه های تاکتیکی به خودی خود بیانگر موضع مشخصی نیست و این همان گونه که در بالا اشاره کردم تنها می تواند وفاداری این نیروها را به اصول انقلابی مارکسیسم نشان دهد. به نظر من این حلقه وحدت بخش نیروهای تشکیل دهنده نشست مشترک، در عین حال خود نقطه تلاقی این مجموعه پرتناقض نیز هست، همان گونه که گفتم زمینه شکل گیری این اتحاد انقلابی بر می گردد به اوضاع و شرایط بسیار متحول سیاسی در جامعه، در شرایطی که اپوزیسیون های بورژوازی و رفرمیستی رژیم به تکاپو افتاده و با برافراشتن پرچم "دمکراسی و آزادی خواهی" بخشا به حمایت "اصلاح طلبان حکومتی" شتافته و بخشا به همکاری با آلترناتیو های امپریالیستی که در داشتن روابط نزدیک با محافل و گروه های مالی امپریالیستی شناخته شده هستند روی آورده اند، طبیعی است که سازمان ها، تشکل ها و عناصر کمونیست و انقلابی که از تجربیات گذشته درس هایی آموخته اند، تلاش کنند با نزدیک شدن به هم آلترناتیو چپ انقلابی را در برابر این جریانات طرح و تقویت کنند. در این رابطه هم است که توافق بر سر سه بند تصویب شده در نشست اول تا حدودی آسان به دست آمد، چرا که این بندها در حقیقت بیانگر جزئی از هویت انقلابی این مجموعه می باشند. با این حال آگاهی بر این واقعیت خیلی مهم است که هر آنگاه که این مجموعه در صدد پرداختن به ابراز وجود اثباتی خویش برآید، آنجا است که مجدداً به اجزاء اولیه خویش تجزیه می گردد. در این جاست که ما از قلمرو هماهنگی و همگونی بار دیگر به قلمرو تشتت و پراکندگی می رسیم. در نظر گرفتن این واقعیت در برنامه ریزی آتی حرکت مشترک این مجموعه اهمیتی تعیین کننده دارد.

به اعتقاد من در برداشت از توافقات نشست اول، یعنی همان سه بندی که طرح شده است دو دیدگاه متفاوت که هریک خود به زیر مجموعه های دیگری تقسیم می گردند، وجود دارد. یکی دیدگاهی است که بندهای مزبور را از نقطه نظر بسط و تعمیق دمکراتیسم انقلابی و ارتقاء آن تا سطح دمکراتیسم پرولتری درک می کند و دیگری دیدگاهی است که این بندها را به معنی برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و انتقال فوری به سوسیالیسم در نظر می گیرد. با توجه به چنین واقعیتی است که من معتقدم که این دیدگاه ها و نقطه نظرات گوناگون باید در یک روند مبارزه ایدئولوژیک مستمر و فعال به بحث گذاشته شوند تا بتوان با انکاء به نتایج این مباحثات به یک رشته توافقات پایه ای تر، مشخص تر و واقعی تری دست یافت.

کار - نشست دوم را چگونه ارزیابی می کنید؟

اختای - نشست دوم اگر چه از لحاظ صوری ادامه نشست اول به نظر می رسد اما از جنبه منطقی نمی توان آن را ادامه نشست اول در نظر گرفت. همان طور که گفتم نشست اول در حقیقت کوششی بود برای فراخوانی و گردآوری آن دسته از کمونیست ها و نیروهای رادیکال انقلابی که با سازشکاری و اصلاح طلبی مرز بندی داشته و به اصول انقلابی مارکسیسم و انقلاب پرولتری وفادارند. در حالی که نشست دوم با هدف هویت بخشی سیاسی و سامان یابی تشکیلاتی مجموعه متناقضی برگزار گردید که خواهان پایه ریزی یک فعالیت مشترک نظری و عملی هستند. این نشست همان گونه که دیدیم نتوانست به

هدف تعیین شده خود دست یابد و عملاً با دشواری روبرو گردید. بر خلاف نظر برخی که معتقدند نشست دوم نتوانست نتایج و دستاورد های مثبتی به بار آورد، من معتقدم که باید مسئله را بدین شکل طرح کنیم که نشست دوم به چه نتایج و دستاوردهایی دست یافت. به اعتقاد من یکی از مهم ترین دستاوردهای این نشست پایان بخشیدن به اتویی بود که تصور می کرد بعد از توافقات به دست آمده در نشست اول، اینک می توان در قدم بعدی و به همان راحتی به تصویب طرح ها و برنامه های پلاتفرم آن هم در آن چنان سطح و پایهای که در برخی از طرح های پلاتفرم پیشنهاد شده در آن زمان دیده می شد، دست یافت. نشست دوم واقعیت متناقض و چند گانه این اتحاد نیروها را به شکل عریانی به نمایش گذاشت و نشان داد که اگر این مجموعه می خواهد به هدف اعلام شده خود وفا دار بماند اگر به راستی می خواهد به ظرف اتحاد کلیه گرایشات انقلابی، صرف نظر از دیدگاه های مختلف برنامه های و سازمانی آنها بدل گردد، باید حرکت بعدی خود را نه برمذله ها و طرح های ذهنی، که بر فصل مشترک های واقعی این مجموعه استوار سازد.

کار - همان طور که می دانید نزدیک به دو ماه بعد از نشست دوم، شورای هماهنگی یک نشست مشترک مشورتی با شرکت نمایندگان گرایشات مختلف برگزار نمود، از نظر شما انگیزه و دلیل برگزاری این نشست چه بود و به کدام دستاوردها و نتایج عملی دست یافت؟

اختای - با توجه به ناموفق ماندن نشست دوم در دست یابی به یک پلاتفرم سیاسی و اساسنامه تشکیلاتی مشترک، وظیفه دشوار و پیچیده تدوین و تنظیم پلاتفرم ها و قطعنامه های مشترک جهت ارائه به نشست سوم به عهده شورای هماهنگی منتخب نشست دوم قرار گرفت که هوش - یاری و واقع بینی ویژه ای را از این شورا می طلبید. به اعتقاد من شورای هماهنگی می توانست در عین پیشبرد بحث های مربوط به اوضاع کنونی و وظایف ما که خود در روشن شدن چهارچوبها و حدود و ثغور طرح های پلاتفرم قابل حصول در شرایط کنونی، تاثیر به سزایی می داشت، بابرگزاری سمینارها و نشست های مشورتی متعددی در کشورهای مختلف، به گونه ای که طیف های هر چه وسیع تری از گرایشات مختلف را در بر می گرفت، به بحث های پلاتفرمی دامن زده و نیروهای هر چه بیشتری را به شرکت فعال در این بحث ها بر می انگیزد و به این ترتیب زمینه ها و شرایط تهیه و تدوین پلاتفرم های مشترک را فراهم می گردانید. به نظر می رسد که شورای هماهنگی در پیشبرد این وظایف خود دچار مشکلات و موانعی گردید که منجر به فراخوان یک نشست مشورتی گردید. اما گرایشات شرکت کننده در این نشست مشورتی به طور عمده به همان گرایشات موجود در شورای هم - آهنگی منتها در سطح قوی تری محدود گردید در عین این که نقش این نشست دیگر از حد مشورتی فراتر رفته و عملاً به یک ارگان تصمیم گیرنده برای شورای هماهنگی بدل گردید. خود این سبک کار به لحاظ پرنسیب آئین نامه های پذیرفته شده در یک کار جمعی درست نیست که خود جای بحث دیگری دارد. اما به هر حال تصمیمات این نشست اگرچه به لحاظ راه گشایی های عملی و سرعت بخشیدن به کار، اقدامی موثر بود اما از آنجا که این تصمیمات فاقد یک پشتوانه فعالیت نظری و مبارزه ایدئولوژیک بر مسائلی پلاتفرمی میان همه گرایشات گوناگون نیروهای نشست مشترک بود، خود به خود این مسئله بازتاب مشخصی بر روند بعدی حرکت شورای هماهنگی در پیشبرد تصمیمات نشست مشترک مشورتی برجای گذاشت و منجر به تنظیم و تدوین پلاتفرمی از

و حراست می گردد.

از آنجا که بحث بر سر چگونگی نگرش به سرمایه‌داری ایران، زمان و ابزار دیگری را می‌طلبد، لذا ما توصیه می‌کنیم که پلاتفرم مشترک ما در شرایط کنونی، به موارد و بندهایی محدود گردد که بتواند مورد قبول همه گرایش‌های درون نشست مشترک قرار گیرد، حال با هر برداشتی که هر جریان می‌تواند از این موارد داشته باشد. طبیعی است این چنین پلاتفرمی در مراحل بعدی بسته به پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک و درجه همسویی و همگرایی ایجاد شده میان گرایش‌های مختلف درون نشست مشترک، می‌باید چهارچوب وسیع‌تری یافته و منکامل تر گردد.

در مورد آئین نامه پیشنهادی شورای هماهنگی نیز ما بر این عقیده‌ایم که آئین‌نامه فوق از صراحت لازم برخوردار نیست. برای مامشخص نیست که چطور رفقا از یک طرف این اتحاد را تشکیلی از افراد و جریانات سیاسی معرفی می‌کنند، ولی از طرف دیگر معتقدند که عضویت در این اتحاد فردی است. از نظر ما اگر عضویت در این اتحاد قرار است فردی باشد، پس دیگر جایی برای ابراز وجود مستقل جریانات سیاسی به‌طور مشخص نمی‌تواند مطرح باشد، ولی اگر می‌پذیریم که این تشکل، اتحادی از افراد و جریانات سیاسی است، پس در این صورت باید بپذیریم که عضویت در این اتحاد نیز، باید (همان‌طور که ما پیشنهاد کرده‌ایم) هم فردی باشد و هم گروهی.

کار - بیانیه نشست اول از ضرورت دخالت‌گری در مبارزات کارگران و زحمتکشان و تاثیرگذاری بر آن صحبت می‌کند، "نشست مشترک" تاکنون در این زمینه چه دستاوردی داشته و چه موانع عملی در برابر آن قرار داشته است؟

اختی - باید اعتراف کنیم که در این مورد دستاوردی نداشته‌ایم که به نظر من این امر تا حد زیادی طبیعی است. اگر بخواهیم واقع بینانه قضاوت کنیم، انتظار بیشتری هم در شرایط کنونی از این اتحاد نمی‌توانیم داشته باشیم. من معتقدم در زمانی که این اتحاد هنوز سیاست مشخص اعلام شده‌ای در قبال جنبش کارگری ندارد و تا زمانی که این اتحاد چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی در درون طبقه کارگر و مبارزات کارگری حضور فعال ندارد، تاکید بر ضرورت دخالت‌گری و تاثیرگذاری در مبارزات کارگران و زحمتکشان، بیشتر می‌تواند بیان اعلام موضع و یک جهت‌گیری باشد.

کار - چه وظایف عملی باید در دستور کار "نشست مشترک" قرار گیرد؟

اختی - برای من نظر دادن در باره اشکال و چگونگی مشخص اقدامات عملی فعلاً کمی دشوار است، چرا که این امر بیش از هر چیز به میزان کیفیت و دامنه این اتحاد، موقعیت، توانایی و امکانات واقعی و عملاً موجود نیروهای تشکیل دهنده این اتحاد بستگی دارد. و از سوی دیگر مادام که نیروهای تشکیل دهنده نشست مشترک، در مورد محتوای اقدامات عملی آتی خویش به توافقاتی نسبی دست نیافته باشند، سخن گفتن از اشکال مشخص این اقدامات، می‌تواند منجر به اتلاف وقت و سوء تفاهات احتمالی گردد. از این رو من صحبت خود را بیشتر بر مضمون این اقدامات متمرکز می‌کنم.

به اعتقاد من بخش مطالبات پلاتفرم پیشنهادی بخشی از شورای هم - آهنگی که مانیزتا حدود زیادی با آن توافق داریم، تاحدی جنبه‌سازمی و سمت و سوی اقدامات آتی ما را روشن می‌سازد و آن هم تلاش در جهت دمکراتیزه کردن جامعه در وسیع‌ترین و عمیق‌ترین شکل آن و

جنبه بخشی از این شورا گردید که نمی‌توان آن را منعکس کننده فصل مشترک‌های کلیه گرایش‌های نیروهای نشست مشترک تلقی نمود.

کار - همان‌طور که در جریان هستیید، مسئله ضرورت تصویب پلاتفرم در نشست دوم به نقطه‌گرهی بحث‌ها تبدیل شد و این نشست عملاً در این زمینه نتیجه‌ای نرسید. در نشست مشورتی، گرایش‌های مختلف درون این اتحاد، با صدور بیانیه‌ای بر تدارک سیاسی بیشتر نشست سوم تاکید کردند و از شورای هماهنگی خواستند که بر مبنای پیشنهادات موجود و نیز پیشنهاداتی که بعداً به شورا داده می‌شود، پلاتفرم، آئین‌نامه و قطعنامه‌های پیشنهادی تدوین کند. شورای هماهنگی هم این کار را انجام داد. پلاتفرم، آئین‌نامه و یک قطعنامه تنظیم نمود که مورد توافق اکثریت اعضای شورای هماهنگی قرار گرفت. در ضمن بولتن مباحثات هم، جهت بحث روی این توافقات و یا نقد این طرح‌های پیشنهادی در نظر گرفته شده است. سؤال این است که این توافقات و طرح‌های پیشنهادی تنظیم شده توسط شورای هماهنگی در چه موارد یا زمینه‌هایی و چگونه باید تکمیل شود تا آن‌طور که شما گفتید انعکاس "فصل مشترک واقعی" این مجموعه باشد؟

اختی - ما در نوشته‌ای که اخیراً برای شورای هماهنگی فرستاده‌ایم، موارد انتقادی خود را به پلاتفرم پیشنهادی بخشی از شورای هماهنگی بیان کرده‌ایم و در اینجا به طور مختصر به آنها اشاره می‌کنم. به اعتقاد ما در پلاتفرم پیشنهادی فوق یک تناقض اساسی وجود دارد که این پلاتفرم را در کلیت آن برای ما مورد سؤال قرار می‌دهد. قسمت نخست این پلاتفرم پس از توضیحاتی در خصوص سرمایه‌داری حاکم بر ایران، شرط هرگونه تغییرات بنیادی در موقعیت دردناک کنونی کارگران و زحمتکشان جامعه را به وقوع یک انقلاب بلاواسطه سوسیالیستی گره می‌زند و حتا بر این عقیده است که هرگونه اصلاحات جدی حقوقی - سیاسی در ایران، بدون انجام این چنین تحول پایه‌ای و ساختاری در جامعه قابل تصور نیست، در حالی که بخش دوم این پلاتفرم به طرح یک رشته مطالبات و اقدامات فوری سیاسی و اقتصادی می‌پردازد که محتوای آنها در کلیت خود، چیزی بیش از خواست دمکراتیزه کردن جامعه نیست. از همین‌رو این پلاتفرم به دلیل برخوردار بودن از این تناقض اساسی، نمی‌تواند در شکل تنظیم شده کنونی آن مورد قبول ما قرار گیرد. گذشته از مورد فوق، تا آن جایی که به طرح مسائل مطرح شده در این پلاتفرم به طور مشخص برمی‌گردد، ما با بخش مطالبات طرح شده در این پلاتفرم، به‌طور عمده در توافق قرار داریم، اما در بخش نخست آن، آنجا که به تبیین جامعه سرمایه‌داری و برشمردن خصوصیات این سرمایه‌داری می‌پردازد، مسائلی بیان می‌گردد که نمی‌تواند مورد توافق ما قرار گیرد. به طور مشخص ما علت این درجه‌از وسعت و شدت مصائب عظیم اجتماعی بر کلیه اقشار و طبقات اجتماعی جامعه از کارگران و زحمتکشان گرفته تا زنان، کودکان و ملل تحت ستم در ایران را نه ناشی از عقب ماندگی تاریخی سرمایه‌داری و وجود بقایای مناسبات عقب‌مانده و ماقبل سرمایه‌داری در ایران، و نه ناشی از اندیشه متحجر و مومیایی شده رژیم جمهوری اسلامی می‌دانیم. ما معتقدیم که این امر از خصلت وابسته و بوروکراتیک نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران ناشی می‌گردد که در هر دوره، بسته به وضعیت جنبش انقلابی و نیازمندی‌های سرمایه‌ جهانی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، شکل و شمایل ویژه‌ای به خود می‌گیرد، زمانی از سوی یک رژیم طرفدار "تمدن بزرگ" و زمانی دیگر از سوی یک رژیم مدافع عقب‌مانده‌ترین و پوسیده‌ترین افکار و اندیشه‌های اجتماعی، حفظ

می کنیم و یا آن که تنوع گرایشات فکری برسر همان موارد تصویب شده را به رسمیت شناخته و امکان ابراز وجود سیاسی نظرات مخالف را تضمین می نمائیم.

کار- چشم انداز "نشست مشترک" از دیدگاه شما چیست؟

اختای- به اعتقاد من بسیاری از زمینه های اجتماعی و سیاسی و به ویژه تمایل و شور مبارزاتی برای توسعه و تحکیم این اتحاد در حال حاضر موجود است که این خود چشم انداز روشنی را برای ما می گشاید. اما این که ما چقدر قادر خواهیم بود که این چشم اندازها را به واقعیت تبدیل کنیم، به این امر برمی گردد که ما در عمل تا چه اندازه می توانیم با شرایط و مسائل خود و ویژه این اتحاد برخورد درستی داشته باشیم.

کار- با تشکر از شما برای شرکت در این مصاحبه.

اختای- من هم از فرصتی که در اختیار من قرار دادید تشکرمی کنم.

به خاطر مرگ آن کس، که به خاطر صلح مبارزه می کرد

آنکه تسلیم نشد

نابود شده است.

و آنکه نابود شد،

خود را تسلیم نکرده بود.

✱

✱

دهان هشدار دهنده

پراز خاک شد،

وماجرای خونین،

آغاز.

برمزار رفیق صلح

فوج سربازان پای می گوید.

✱

✱

پس آیا مبارزه بیهوده بود؟

✱

✱

اما، مبارزی که نابود شد

به تنهایی نمی جنگید

و دشمن، هنوز

پیروز نشده است

(برتولت برشت)

انتقال تمام قدرت به دست شوراهای کارگران و زحمتکشان است. بنابر این یک جنبه مهم و تعیین کننده کارما کوشش در جهت تقویت و گسترش جنبش آزادی خواهانه در ایران است. در این رابطه لازم است این اقدامات به طور مشخص در دستور کار ما قرار بگیرد:

افشای منظم و دائمی رژیم جمهوری اسلامی و آن نظام اقتصادی - اجتماعی که این رژیم در حفظ و حراست از آن تلاش دارد. افشای ماهیت ضد انقلابی "اصلاح طلبان حکومتی" و روشن ساختن وجه تمایز جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه در جامعه، با خواسته ها و اقدامات "اصلاح طلبان حکومتی". پرده برداشتن از سیاست آلترناتیو سازی امپریالیستی و افشای به موقع این آلترناتیو ها. مبارزه دائمی با رفرمیسم و افشای دائمی تلاش های رفرمیست ها در به انحراف کشاندن جنبش انقلابی در ایران. پشتیبانی و حمایت از جنبش های آزادی خواهانه عمومی در جامعه مانند جنبش زنان، معلمین، دانشجویان، جوانان، جنبش های ملی، ... و تلاش در جهت ارتقای مطالبات و خواسته های آنان تا سطح مطالبات فوری این اتحاد.

روشن است که این جنبه از فعالیت عملی ما می بایستی با جنبه دیگری که در واقع جنبه اساسی فعالیت ما را تشکیل می دهد، یعنی سازماندهی مستقل طبقه کارگر و ایجاد یک صف کمونیستی - کارگری در دل مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دمکراتیزه کردن جامعه، به منظور تامین استقلال طبقاتی طبقه کارگر و هژمونی این طبقه بر جنبش انقلابی همگانی و ادامه انقلاب، درهم آمیزد. از این رو ضروری است برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و سوسیالیستی طبقه کارگر و ایجاد همبستگی طبقاتی آن با جنبش سوسیالیستی جهانی کارگری، به طور مداوم کار شود. در همین رابطه نیروهای نشست مشترک برای آن که بتوانند تحت هر شرایطی نسبت به مبارزات سیاسی و اقتصادی کارگران - مبارزه ای که به طور روزمره جریان دارد - واکنش مناسبی نشان دهند، لازم است که در درجه اول به یک نظرگاه مشترک در خصوص اشکال سازمان یابی طبقه کارگر و خودویژگیهای پروسه تشکل و خودآگاهی طبقاتی طبقه کارگر در شرایط ایران، دست یابند.

کار- با توجه به مباحثی که عنوان کردید، نشست مشترک عمومی سوم به طور مشخص تر برای کدام مسئله یا مسائل گرهی باید پاسخ روشن داشته باشد تا راه را برای انسجام و تکامل این اتحاد بگشاید؟

اختای- اگر بپذیریم که وظیفه مرکزی نشست عمومی سوم در جوهر خود، هویت بخشی سیاسی و سامان یابی تشکیلاتی این اتحاد یا به عبارت دقیق تر تاسیس یک تشکل یا اتحاد گسترده ای از سازمان ها، گروهها و افراد کمونیست و انقلابی است که مبانی سیاسی اعلام شده در نشست اول را پذیرفته اند، خود به خود در ارتباط با انجام این وظیفه مسائل گرهی مطرح می گردند که کارآیی نشست سوم منوط و مشروط به داشتن پاسخ روشنی برای آنهاست. اولین مسئله روشن ساختن روال کار و آئین نامه داخلی نشست سوم و چگونگی تصمیم گیری در این نشست است. این یکی از مهمترین مسائلی است که در چهارچوب تدارک نشست سوم از اولویت ویژه ای برخوردار است که متاسفانه تاکنون به آن نپرداخته ایم. دومین مسئله روشن نمودن وضعیت احتمالی است که بعد از تصویبات نشست مشترک سوم برای گرایشاتی پیش می آید که با پلاتفرمها، آئین نامهها و قطعنامه های تصویب شده در تمامی اجزاء آن توافق ندارند. به عبارت دیگر مسئله - ای که به طور مشخص بایستی نشست عمومی سوم به آن پاسخ دهد، این است که آیا ما با تصویبات یک خط و برنامه سیاسی و سازمانی در نشست عمومی سوم، پروسه اتحادیابی نیروهای چپ انقلابی را پایان یافته تلقی

سالروز قیام و سیاهکل را پاس داریم

کارگران وزحمتکشان! روشنفکران انقلابی!



برگزاری اولین اجلاس «فوروم اجتماعی» در آسیا

روزهای ۲ تا ۷ ژانویه ۲۰۰۳ برای نخستین بار اجلاس «فوروم اجتماعی در آسیا» در شهر حیدرآباد هند برگزار شد. بحث حول اقدامات جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و گسترش فقر و فلاکت در میان میلیون ها انسان در سراسر کره‌های شرق تحت عنوان «گلوبالیزاسیون» تقریباً تمامی وقت ۸ کنفرانس و ۱۶۰ سمینار این اجلاس را به خود اختصاص داد. این اجلاس بایک تظاهرات ۱۵ هزار نفره در شهر حیدرآباد آغاز شد و در روزهای برگزاری آن نیز این شهر و دیگر شهر های هند شاهد تظاهرات و راهپیمایی دهها هزار نفر بود که باجنگ امپریالیست‌ها علیه عراق مخالفت کرده و در عین حال خواهان گسترش مخالفت بین‌المللی با سیاست‌های نئو لیبرالی امپریالیست‌ها تحت عنوان «جهانی شدن سرمایه» بودند. این اجلاس همچنین افزایش سرکوب و زورگویی و گسترش بی‌حقوقی عمومی توسط دولت های آسیایی را که به بهانه «مبارزه ضد تروریستی» اعمال می‌شود محکوم کردند. یکی از نکات قابل توجه در این اجلاس سیاست اعمال فشار بر شرکت کنندگان غیر هندی بود. برای جلوگیری از تجمع فعالین و معترضین به اوضاع بین‌المللی که از کشور های مختلف جهان به هند می‌آمدند، دولت این کشور صدور رواید به این فعالین را با مشکلات فراوان مواجه ساخته و در نتیجه تعداد زیادی نتوانستند در این اجلاس حضور یابند. به رغم تمام این تشنات ها، هزاران نفر در این اجلاس شرکت کردند. از دیگر نکاتی که باید در اینجا اشاره کرد، تشکیل «کنوانسیون ضد جهانی شدن سرمایه» بود که به ابتکار حزب سوسیالیست و کمونیست از جمله حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) هند تشکیل شد. در مراسم افتتاح این گرد هم آیی از جمله گفته شد که اکنون زمان آن رسیده که پی‌آمدهای اجتماعی و سیاسی «گلوبالیزاسیون» در معرض دید توده های مردم قرار گرفته و به آن‌ها نشان داده شود که دولت های آسیایی، مسئول پیشبرد سیاست‌هایی هستند که جز فقر و فلاکت، بیکاری و بی‌آیندگی هیچ ارمغانی برای آنها نخواهد داشت.

اجلاس «فوروم اجتماعی» در برزیل

پس از برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سوم «فوروم اجتماعی اروپا» که در اواخر ماه نوامبر سال گذشته در شهر فلورانس ایتالیا برگزار شد و دهها هزار نفر در طول برگزاری این نشست در این شهر گردهم آمده و علیه سیاست های جنگ طلبانه امپریالیست‌ها و سیاست‌های اقتصادی سرمایه داران دست به راهپیمایی و برگزاری تظاهرات زدند، این بار شهر Porto Alegre در برزیل شاهد گرد هم آیی و اعتراض بیش از ۱۰۰ هزار نفر از تمام نقاط جهان بود. این اجلاس در روز های ۲۳ تا ۲۷ ژانویه برگزار شد و در طول برپایی آن گسترش تلاش‌های امپریالیست‌ها برای دامن زدن به آتش جنگ علیه عراق، پی‌آمدهای اعمال سیاست‌های «نئو لیبرالی» در عرصه اقتصاد و نقش و عملکرد دولت‌های سرکوب گر آمریکای لاتین در این میان موضوعات اصلی بود که در این اجلاس مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. از دیگر موضوعات مورد بحث در این اجلاس، رشد میلیتاریسم و گسترش حضور نظامی آمریکا در کشورهای آمریکای لاتین بود. این سیاست‌ها موجی از اعتراضات را در کشورهای مختلف این قاره به دنبال داشته‌است، که از جمله به تظاهرات ۱۰ هزار نفری مخالفین جنگ و حضور «گار شناسان» نظامی آمریکا در اغلب کشورهای آمریکای لاتین، می‌توان اشاره نمود که روز ۲۶ ژانویه در شهر پیتسبورگ در ایالت پنسیلوانیا برگزار شد.

۳۲ سال پیش، در حالی که دیکتاتوری عریان رژیم شاه با زور سرنیزه و دستگاه مخوف شکنجه و کشتار ساواک، اختناق هولناکی را بر ایران حاکم کرده بود و رژیم اختناق و سرکوب برخورد می‌باید که ایران را به جزیره ثبات و آرامش تبدیل کرده است، گروهی از جوانان کمونیست ایران به نام چریک‌های فدائی خلق، این اقتداری را که بر سرنیزه تکیه داشت به مبارزه طلبیدند و در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله مسلحانه به یکی از مراکز ستم و سرکوب در سیاهکل، مبارزه آشتی ناپذیری را با رژیم اختناق آغاز نمودند.

حکومت شاه، نیروی سرکوب خود را بسیج نمود، تا مبارزه‌ای را که تازه آغاز شده بود، در نطفه خفه کند و مانع از شکل‌گیری یک نیروی رزمنده متشکل در برابر خود گردد. رزمندگان سیاهکل را به همراه گروه دیگری از بنیانگذاران سازمان ما به جوخه اعدام سپرد. روز به روز بر تعداد اعدام‌ها افزود. به شکنجه‌های وحشیانه تری متوسل گردید. زندان‌ها را از مبارزین انباشت. اما جرقه‌ای که در سیاهکل زده شده بود و انعکاسی از خشم و نارضایتی مردم زحمتکش از وضع موجود بود، خاموش نشد. بالعکس مشوقی بود برای روی آوری هزاران تن به مبارزه‌ای سرسخت‌تر، متشکل‌تر و جدی‌تر علیه رژیم شاه. چیزی نگذشت که از اواسط دهه پنجاه، توده‌های زحمتکش مردم ایران به مبارزه‌ای علنی، رودرو و مستقیم با رژیم سلطنتی حاکم بر ایران برخاستند. این مبارزه در سال ۱۳۵۷ چنان وسعتی به خود گرفت که میلیون‌ها کارگر و زحمتکش، با اعتصابات عمومی و سیاسی و تظاهرات و راهپیمایی‌های میلیونی، چنان پایه‌های رژیم را به لرزه درآوردند که دیکتاتور هم، صدای انقلاب توده مردم را شنید. همان رژیمی که توده‌های زحمتکش را به هیچ می‌گرفت، آنها را تحقیر می‌نمود و با استبداد فرمانروایی می‌کرد، حالا، با گریه و زاری به مردم وعده اصلاحات و آزادی و دمکراسی را می‌داد، تا شاید بدین طریق بتواند مردم را فریب داده و آرام کند و دوباره پایه‌های حکومت خود را مستحکم سازد. اما توده‌های مردم ایران که این تاکتیک دیکتاتورها را می‌شناختند، این بار، دیگر به وی مهلت ندادند و با قیام مسلحانه حماسی و افتخار آفرین خود در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نظام سلطنتی را از ایران جاروب کردند.

به رغم این که در نتیجه سال‌ها دیکتاتوری و اختناق، توده‌های کارگر و زحمتکش از تشکل و آگاهی لازم برای به دست گرفتن قدرت سیاسی و پیروزی انقلاب برخوردار نبودند، و مرتجعین، به رهبری خمینی با استفاده از این ضعف تشکل و آگاهی توده مردم، قدرت را از آنها سلب و انقلاب با شکست روبرو گردید، اما انقلاب مردم ایران علیه رژیم سلطنتی شاه و قیام مسلحانه ۲۲ بهمن به عنوان صفحه‌ای درخشان در تاریخ مبارزاتی توده‌های زحمتکش و ستمدیده مردم ایران علیه ستمگران و استثمارگران، می‌درخشد. ۲۴ سال از قیام ۲۲ بهمن گذشت و ما زنان و مردان کارگر و زحمتکش و ستمدیده، هر سال یاد این روز را گرامی می‌داریم و بر آن ارج می‌نهم، چرا که این قیام، تجسم قدرت ما مردم زحمتکش در برابر ستمگران است. عزم و اراده مبارزانه به زیر کشیدن سرمایه داران ستمگر و استثمارگر و تمامی مرتجعین پاسدار نظم کهنه و تلاش مبارزانه ایجاد دنیای نوینی که نشانی از استثمار، اختناق و سرکوب در آن نباشد، نشان می‌دهد. این در عین حال، یک یادآوری است به مرتجعین حاکم بر ایران که با همان سرنوشتی روبرو خواهند بود که رژیم سلطنتی شاه. ۱۹ بهمن، سالروز حماسه آفرینی فدائیان در سیاهکل نیز که ما امسال سی و دومین سالگرد آن را جشن می‌گیریم، تنها، روز بنیانگذاری سازمان ما نیست بلکه جزء دیگری از تاریخ مبارزاتی توده‌های زحمتکش مردم ایران و تجلی خشم و اعتراض آنها نسبت به نظم موجود است. حماسه آفرینان سیاهکل و تمامی فدائیان که جان برفک در این ۳۲ سال با ستمگران حاکم بر ایران جنگیدند و جان باختند و آنهایی که سال‌ها در سیاهچال‌های قرون وسطایی رژیم‌های مستبد حاکم بر ایران به بند کشیده شدند، آرمان دیگری جز سوسیالیسم و آزادی و رهایی بشریت زحمتکش و ستمدیده نداشته و ندارند.

امروز نیز سازمان ما پیگیرانه همین آرمان را دنبال می‌کند و برای برقراری سوسیالیسم مبارزه می‌نماید. سرنوشتی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران وزحمتکشان، هدف نخستین ما برای دگرگونی تمام نظم ارتجاعی موجود تا رسیدن به اهداف عالی‌تر و استقرار جامعه‌ای انسانی است که دیگر در آن از ثروتمند و فقیر، ستمگر و ستمدیده، استثمارگر و استثمار شونده، فرودست و فرادست، اثری نباشد و انسان‌های آزاد و برابر، تاریخ واقعی و انسانی خود را آغاز کنند.

با آرزوی پیروزی کارگران و تمام ستمدیدگان، سالروز قیام و سیاهکل را تبریک می‌گوییم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد سوسیالیسم

جاودان باد یاد حماسه آفرینان سیاهکل

سازمان فدائیان (اقلیت)

بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

گزیده ای از نامه‌های رسیده

توضیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده. رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، به معنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار می‌باشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم می‌گیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه‌ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است. نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت‌هایی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکل‌های دموکراتیک دریافت می‌کند، انتخاب کرده و آنرا به چاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً به معنی تأیید مواضع نویسندگان نامه و یا تشکلهای نمی‌باشد.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند درخواست می‌کنیم نامه خود را اگر تایپ نمی‌کنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی.

یکی از رفقای کارگر که پس از انقلاب عضو هیئت مدیره سندیکای چاپ بوده، نامه‌ای برای سازمان ارسال کرده و در آن ضمن مرور مبارزات کارگری سالهای پس از انقلاب، از جمله در ارتباط با تلاش رژیم برای در اختیار گرفتن خانه کارگر و مقاومت کارگران چنین نوشته است:

توسط سپاه خانه کارگر را بستند. ما کارگران چاپخانه آواره شدیم و مجبور بودیم در چهارراهها، قهوه خانه‌ها و... جمع کنیم تا بتوانیم باهم گفتگو نماییم. پس از بحث به این نتیجه رسیدیم که یک دست صدا ندارد و باید متحداً کاری انجام دهیم. اعلامیه‌ای نوشتیم و در کارخانجات جاده کرج و رباط کریم پخش کردیم. در اطلاعیه از کارگران خواسته بودیم روز ۲۵ شهریور درخانه کارگر جمع شوند. حدود ۲ هزار نماینده شوراها و سندیکاها را در آنجا جمع کردیم و خانه کارگر را به هر روز به تصرف درآوردیم. از کارخانه‌های کوچک بیشتر کارگران آمده بودند و کارخانه‌های بزرگ نمایندگان را فرستاده بودند. البته مرتب رادیوی خمینی اعلام می‌کرد که گردهم آیی کارگران صنعت چاپ غیر قانونی است. ولی کسی گوشش به این مزخرفات بدهکار نبود. حسن کمالی و محبوب هم نتوانستند کاری بکنند. از طرفی هم رژیم، حزبی‌الهی‌ها را فرستاد که علیه کارگران شعار می‌دادند. مسئول انتظامات تصمیم گرفت که با حزب الهی‌ها مقابله کنیم. بعد با آمدن افراد شهربانی حزب الهی‌ها پراکنده شدند. ما قرارجلسات و کارهای بعدی را با نمایندگان شوراها گذاشتیم و قرار شد باهم تماس داشته باشیم و در اواسط مهرماه اطلاعیه صادر کنیم. اما شروع جنگ اوضاع را تغییر داد. اما روز ۲۵ شهریور علی‌رغم همه تهدیدات رژیم و عواملش، ماخانه کارگر راعملاً ۴ ساعت

در اختیار گرفتیم. سخنرانی کردیم، اطلاعیه پخش شد و جلسه با موفقیت به پایان رسید.

رفیق ن عزیز، با تشکر از شما که بعد از مدت‌ها وقفه در ارسال نامه نوشته، مجدداً باب مکاتبه با ما را آغاز کرده و برایمان نامه و مطلب فرستاده‌اید. هر دو نامه مشروح و مفصل شما را دریافت کردیم. گزارش بر -گزارش مراسم بزرگداشت روزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت را که در همین شماره به چاپ رسیده است، از نوشته شما برگزیده -ایم. پیروز باشید و باز هم برایمان نامه و مطلب بفرستید.

گزارشی از مراسم بزرگداشت روزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت

۱۵ ژانویه مصادف است با سالروزه قتل رسیدن روزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت، دوتن از رهبران سوسیالیست آلمان و از بنیان گذاران "اتحادیه اسپارتاکوس" از جریان منشعب از حزب سوسیال دمکرات آلمان (SPD). این انقلابیون تنها رهبران SPD بودند که به بودجه جنگی دولت برای جنگ اول جهانی مخالفت کردند. البته این مخالفت و مبارزه بعدی آنها علیه نظم سرمایه داری موجود به قیمت جانشان تمام شد. این جنگ مانند تمامی جنگ‌های طبقات ارتجاعی حاکم چیزی جز کشتار بی خانمانی و گرسنگی مطلق برای زحمت کشان کشورهای درگیر جنگ به ارمغان نیاورد. در پایان این جنگ امپریالیستی که با شکست مفتضحانه آلمان نیز همراه بود جنبش کارگری آلمان رشد چشم‌گیری داشت. اوج آن در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ بود. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه نیز به امیدواریها، هم در بین کارگران آلمان و هم در بین رهبران سوسیالیست آن، به خصوص کارل لیبنکشت، دامن زد. شکست امپریالیسم آلمان هم درجه توحش سازمان دهندگان جنگ و منادیان "جنگ، جنگ" تا پیروزی و در راس آنها حزب سوسیال دمکرات آلمان را بالا برد و هم بر آتش رادیکالیسم جنبش کارگری آلمان افزود. این جنبش به وسیله پاسداران نظم اقتصادی اجتماعی سرمایه داری حاکم سرکوب شد و رهبران سیاسی جنبش، روزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت در پانزدهم ژانویه ۱۹۱۸ به قتل رسیدند. پیکر بی جان روزا لوکزامبورگ را در کانال آبی در برلین رها کردند. عاملان این جنایت هولناک پاسداران نظامی - امنیتی نظم سرمایه داری حاکم بود ولی آمران آن رهبران حزب سوسیال دمکرات آلمان و به خصوص شخص "توسکه" بود. این حزب در رستاسر تاریخش یک پای سیاسی نظام سرمایه داری حاکم بر آلمان بوده و هست. این حزب در دوره‌های "آرام" اجتماعی بانفوذ در جنبش کارگری و سمت و سو دادن به درخواست‌های کارگری، این جنبش را تحت کنترل درآورده تا به نظم موجود آسیبی نرساند. باید توجه داشت که اکثر رهبران اتحادیه‌های بزرگ کارگری در آلمان یا مستقیماً عضو این حزبند و یا با

آن رابطه تنگاتنگ دارند. عوامل آن در شورای مشورتی داخل شرکت‌ها نیز فعالند. اما در دروه‌های "پرتلاطم" همانند ۱۹۱۹ -۱۹۱۸ این حزب خنجر از رو می‌بندد.

این حزب سرمایه با برپایی بنیاد های "فرهنگی"، سازماندهی ژورنالیست‌ها، نویسندگان، هنرمندان و به طور خلاصه "اندیشمندان" به ماشین عظیم تبلیغی -ایدئولوژیکی شکل داده که وظیفه آن نه فقط توجیه نظام سرمایه داری در آلمان است بلکه همانند میسیونر های مذهبی تبلیغ این نظم ارتجاعی در کشورهای "نا پیشرفته" و تضمین حضور این سرمایه در این کشورها و محافظت از آن در برابر رقابت. این هدف گاهی با پویایی "کنفرانس"ها، دادن "جایزه ادبی" و یا "بورسیه" به نویسندگان و مدافعین "حقوق بشر" و "آزادی بیان و اندیشه" در این کشور - هاصورت می‌گیرد و گاه با فرستادن فلان "فیلسوف" به فلان کشور برای شکل دادن به یک "اپوزیسیون" دلخواه.

همه ساله مراسم بزرگداشتی به یاد این جان باختگان راه سوسیالیسم بر مزارشان در (قسمت شرق) برلین برگزار می‌شود. تعداد جمعیت امسال به بیش از صد هزار نفر رسید. این مراسم در روز یکشنبه دوازدهم ژانویه برگزار گردید. در ضمن از چند منطقه شهری برلین مجموعاً حدود ۱۰ هزار نفر با شعار دادن علیه جنگ امپریالیست -هاعلیه عراق و محکوم کردن تغییر مواضع دولت آلمان (ائتلاف سوسیال دمکراتها و سبزها) و فرانسه برای همراهی مستقیم و یا غیر مستقیم این دو کشور با راهزنان بزرگ جهان (امپریالیسم آمریکا)، به این مراسم پیوستند. امسال نیز همانند سال‌های گذشته یک روز قبل از این مراسم "کنفرانس روزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکشت" در دانش گاه هومبلد برلین برگزار گردید که تعداد کثیری در آن شرکت داشتند. استقبال نیروهای چپ و کمونیست آلمان همراه با میز کتاب و نشریه بی نظیر بود. برگزار کننده این کنفرانس همانند سال‌های گذشته روزنامه چپ "جهان جوان" بود. همچنین انجمن هم -بستگی با کوبا و گروه چپ دانشجویی دانشگاه هومبلد (Linke Liste) در برگزاری این کنفرانس نقش داشتند.

جو کلی کنفرانس امسال تحت‌الاشعاع جنگ احتمالی امپریالیست‌ها علیه عراق قرار گرفته بود. مضمون سخنرانی‌ها و بحث‌های امسال به مراتب چپ تر از سال‌های پیش بود. گرایش "چپ نوین" که سال‌ها این کنفرانس را تحت نفوذ داشت با توجه به عمق‌یابی بحران نظام سرمایه‌داری جهانی جای خود را به "چپ سنتی" داد! سال‌ها بود که در این کنفرانس (همانند دیگر نشست‌چپ‌ها) کمتر به لنین اشاره می‌شد. امسال بر عکس، سخنرانان به دعوات از تئوری امپریالیسم لنین و کتاب معروف او سخن به میان آورده و اظهار داشتند در موقعیت فعلی سرمایه داری جهانی، هنوز هسته اصلی این تئوری معتبر است. پروفیسور Hans Heinz Holz در سخنرانی خود در باره "امکان یک آلترناتیو سوسیالیستی" کار را به‌جایی رساند که گفت "برای تغییر نظام سرمایه داری نیروی قهر نیز لازم است" که با کف زدن‌های شرکت کنندگان روبرو شد.

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۷)

در آن بر نیازهای زنان کارگر صنعتی و کشاورزی از جمله پرداخت برابردر ازای کار برابر و رفاه مادران و کودکان تاکید شده بود. اما زنان بورژوا، که در کنگره اکثریت داشتند، این پیشنهاد را رد کردند. آنها در عوض، قطعنامه‌ای را طرح کردند که تنها خواهان اتحاد زنان تمام اقشار اجتماعی در مبارزه برای جمهوری و حق رای عمومی، بدون تمایز جنسی، ملی و مذهبی بودند. (V- Bilsha - وضعیت زنان در اتحاد شوروی - مسکو ۱۹۵۷ - صفحات ۱۷ و ۱۶) به علاوه، برنامه، خواهان خودگردانی ملی، برابری زن و مرد در مقابل قانون، حقوق برابر زنان کشاورز در کلیه فرم‌های ارضی، قوانینی برای رفاه، تامین اجتماعی، حمایت از زنان کارگر، موقعیت‌های برابر زنان، مشارکت تحصیلی در کلیه سطوح، اصلاح قوانین مربوط به فحشاء و لغو مجازات اعدام بود. این، یک برنامه کلاسیک فرم‌های رادیکال بورژوازی بود. هنگامی که دومین کنگره اتحادیه حقوق برابر زنان در ۸ اکتبر ۱۹۰۵، در اوج انقلاب گشایش یافت تا آن جا پیش رفت که به تبعیت از مواضع بلشویک‌ها، منشویک‌ها و اس-ارها خواهان تحریم انتخابات دوما - پارلمان - شد. در این کنگره شرکت کنندگان اعلام نمودند که اهداف احزاب سوسیالیست پیش از همه، به زنان نزدیک است. اعضاء اتحادیه مسکو با حمل پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده بود:

حق رای عمومی بدون تمایز جنسی" در تظاهرات تشییع جنازه نیکولاس بومان، بلشویکی که به دست پلیس کشته شده بود، شرکت کردند، هنگامی که پلیس به روی تظاهر کنندگان آتش گشود، یکی از اعضاء آنها زخمی شد. به رغم این که اعضاء اتحادیه در تظاهرات های دیگر نیز شرکت می نمودند و در کمیته های اعتصاب هم حضور داشتند، معهذرا غالب فعالیت های آنان جنبه حمایتی از کارگران داشت. از جمله برپایی آشپزخانه ها، دوایر کمک‌های اولیه و خدمات برای بیکاران. فعالین اتحادیه در جریان درگیریها با باند های نژادپرست موسوم به "باند های سیاه" یا پلیس و ارتش، کمک های اولیه ارانمی دادند. رزمنده ترین مرحله فعالیت "اتحادیه حقوق برابر زنان" در اوج فعالیت های عمومی انقلابی از اعتصاب عمومی اکتبر تا قیام مسکو در دسامبر ۱۹۰۵ بود، با این همه این اتحادیه یک سازمان سست بنیاد و بی در و پیکر بود و بسیاری از شعب آن، فراخوان مبنی بر تحریم دوما را نادیده گرفته و به دنباله روی از کادتها پرداختند. در ۲۱ مه ۱۹۰۶ در سومین کنگره اتحادیه، تحریم لغو شد. (همانجا - صفحات ۵-۱۳۴) تعداد اعضاء اتحادیه در ۱۹۰۶ به ۸۰۰۰ تن افزایش یافت. (همانجا - ص ۱۰۳)

یک سازمان دیگر فمینیست بورژوازی که در سال ۱۹۰۵ تاسیس شد، حزب مترقی زنان تحت رهبری "ماریا ایوانوا بود. وی نماینده افراطی ترین جدایی طلبی فمینیستی بود. ایوانوا از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۷، بیشترین امکانات مالی و وقت خود را صرف مجله "پیک زنان" نمود و یک تنه به ویراستاری و نشر آن در آپارتمان خود پرداخت. این مجله بیشتر و پیگیرانه تر از سایر مجله های فمینیستی به وضعیت زنان کارگر در کار

-خانه ها، مستخدمین خانگی، فواش و زنان دهقان می پرداخت. در یکی از شماره ها نوشت: "این روشن است که زنانی که خواهان حقوق برابرند، نباید به بورژواها و آریستوکرات ها امید ببندند. کارگران بارسنگین بی حقوقی را تجربه کرده اند و تجربه می کنند. این ها کسانی هستند که ما می توانیم رویشان حساب کنیم." "ایوانوا" توجه دقیقی به زنان کارگرداشت. او نه تنها خواهان فرم عمومی در کارخانه ها بود، بلکه مشخصا خواهان بازرسان زن کارخانه، ده ماه حقوق کامل مرخصی بارداری، امکانات نگهداری از کودک در محل کار و دستمزد برابر درازای کار برابر بود. حزب مترقی زنان یکی از آن گروه های لیبرال روسی بود که دیدگاههای آن سوسیال فرمینیست تر از سازمانهای مشابه در سایر نقاط اروپا بود. این حزب خواهان لغو توزیع ناعادلانه ثروت و پرداخت دستمزد منصفانه و بهبود اقدامات بهداشتی بود ولی با قوانین حمایت از زنان کارگر مخالف بود. خواست "درهم شکستن میلیتاریزم"، جایگزینی ارتش توسط میلیشیا و اتحاد کلیه مردم در روسیه به نام ایده های بشردوستانه همگانی پایان بخش برنامه آنها بود، با قید یک تبصره. در حالی که به سازش با سلطنت رومانف می رسید، تمام این اقدامات، می بایستی با فرم و تبدیل شدن سلطنت رومانف به مشروطه انجام بگیرند. (همانجا - ص ۱۲۹)

به هر روی، بر طبق اصول فمینیستی و پاسیفیستی با طبقه کارگر مخالف بود. او با اعتصاب به خاطر عواقبش برای زنان، مخالف بود. وی در این مورد نوشت: "ما می پرسیم: چه کسی پارعمده اعتصاب را بردوش خواهد کشید؟ همسران و مادران اعتصابیون... بگذار مردان در دوره اعتصاب با فرزندان گرسنه در خانه بمانند و بگذار زنان از گریه و فریاد ناشی از گرسنگی به دور باشند." (Sitets - صفحه ۲۰۲)

حزب "ایوانوا" برخلاف "اتحادیه حقوق برابر زنان" به روی مردان بسته بود. "ایوانوا" با سوسیالیستهای مخالف بود چرا که می گفت "آنها همچون سایر احزاب سیاسی، توسط مردان رهبری می شوند و این امر به تسلط مردان و پاسیفیسم زنان منجر می شود." او هیچ گونه رغبتی برای مبارزه طبقاتی نداشت و در این مورد نوشت: "هرزنی که خواهان حقوق برابر است، باید فمینیست نامیده شود - خواه زمین دار باشد و خواه دهقان، خواه زن صاحب کارخانه باشد خواه زن کارگر - صاحب امتیاز باشد یا نباشد. برای فمینیسم چیزی به نام طبقات، کاست های حقوقی یا سطح تحصیلی معنا ندارد. فمینیسم ایده ای است که همه زنان را برابر می سازد. (Rothchild - گولدرگ - ۱۴۵) "ایوانوا" قهر انقلابی را مردود می دانست و هنگام قیام مسکو در ۱۹۰۵ نوشت: "ما نمی توانیم با خشونت و کشتار زندگی بیافرینیم بلکه از طریق اصلاحات مسالمت آمیز است که می توانیم زندگی را بازآفرینی کنیم. حزب مترقی زنان تنها توانست تعداد اندکی عضو از میان طبقات بالا و متوسط جذب نماید. کولنتای یادآور می شود که نحوه رفتار، لباس، پوشیدن و گفتار اعضاء در جلسات، زنان طبقه کارگر را از آنان می راند (Sitets - صفحات ۵-۲۱۴) طی انقلاب ۱۹۰۵، انجمن نعدوستانه کمک متقابل روسی، کارزاری افراطی برای ارائه داد خواست به شخصیت ها و نهادها به راه انداخت. تنها در سال ۱۹۰۵، این انجمن

گزیده ای از نامه های رسیده

مومیا ابوجمال، ژورنالیست سیاهپوست در بند آمریکایی قرار بود در این مراسم در "مورد سنت تروریسم دولتی در آمریکا" سخنرانی کند که متاسفانه موفق به شرکت در آن نشد. نوشته او از طرف یکی از دوستان آلمانی خوانده شد. Alan Woods، نویسنده انگلیسی (یکی از سخنرانان) در صحبتش در مورد "پروژه نظامی اتحادیه اروپا، بر اساس آمار اعلام کرد که در بریتانیا فروش کاپیتال مارکس ده برابر کتاب آدم اسمیت است."

- همچنین رفیق دیگری قطعه شعری برای نشریه فرستاده است که به درج آن اقدام نمودیم.

امسال در بهاران

در شعر من ننگد

نام فریبکاران

در قافیه نیاید

تشریح نابکاران

با هر رفیق و یاری

در گوشه ای نشستم

قطعا به بحث آمد

زنجیر و تیرباران

باید که عهد بندیم

عهدی چنان که جوشد

از سینه ها سرودی

برضد این رذیلان

گفتم که تنگ آید

شعرم ز دست اینان

این جانیان قاتل این روبهان مکار

اسلام وریشه هایش

باید بسوزد امسال

تا باز ما ببینیم رنگ هزار دستان

میدانم و بدانیم مردم رهای گردند

امسال در بهاران

چون سرنگون شد اسلام

بار دیگر برقصیم

آزاد و پایکوبان

هاله رازی دسامبر ۲۰۰۱

از همه رفقای که نامه، مطلب و یا شعر فرستاده اند سپاسگزاریم.

۳۹۸ درخواست برای مجالس منطقه ای (زمستوها) و ۱۰۸ درخواست به مقامات شهری برای حمایت از حقوق زنان ارسال نمود، ۶۰۰۰ درخواست به ارگانهای مختلف اجتماعی و دولتی پست نمود و طومار های امضا برای ۵ استاندار، ۸۰ فرماندار و ۴۶ مارشال که همگی وابسته به اشراف بودند، ارسال کرد و از آنها درخواست نمود که آنها را برای برابری حقوق امضاء کنند. (Rothchild - گولدرگ - صفحات ۱۳۱-۱۳۰)

* نقش زنان در جنبش انقلابی در روسیه، بحث بعدی این قسمت از کتاب است.

مبارزه طبقاتی و رهایی زنان (۲۷)

تحت تاثیر فضای حاصله پس از لغو سرواژ در ۱۸۶۱ و برخی رفرم های محدود در زمان تزار الکساندر دوم مردم در پی دیگر آزادی ها بر آمدند. در این میان زنان اشرفزاده در ۱۸۵۹ اولین گروه فمینیست را تشکیل دادند. آنها به انتشار مجله ای به نام RAZVAT (مجله علمی، هنری، فرهنگی برای زنان بالغ) اقدام کردند که آن رابه مبارزه ای محتاطانه به خاطر تحصیلات عالی زنان در انطباق با روح آموزش های مسیحیت اختصاص دادند. چنین فراخوانی به زحمت می توانست توده های زن روسیه رابه تلاش وادارد چراکه در آن هنگام تنها ۵ یا ۶ درصد زنان قادر به خواندن و نوشتن بودند و تنها یک درصد آنها تحصیلات عالی داشتند (فیلیپوا - درباره تاریخ تحصیلات زنان در روسیه - فوریه ۱۹۶۳ صفحه ۲۰۹)

گرچه تعداد باسوادان تا پایان قرن به ۲۱ درصد رسید، اما در اواخر ۱۹۰۹ از میان هر ۳۰۰ دختر تنها یک نفر تحصیلات متوسطه داشت. (ج. و. لایبیدوس - زن در جامعه شوروی - برکلی - سال ۱۹۷۹ - ص ۳۱). در همان سالی که RAZVAT بنیان گذارده شد، یک گروه خیریه زنان به نام "انجمن مسکن ارزان و سایر کمک ها به اهالی سن پترزبورگ" شکل گرفت. یکی از پروژه های بلند پروازانه این انجمن، ایجاد یک کارگاه بزرگ لباس دوزی در ۱۸۶۸ بود که بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کارگر در آن کار می کردند. کار این کارگاه عمدتاً دوختن لباس های ارتشی بود که سفارش آن را وزارت جنگ می داد. (Rothchild - گولد برگ - صفحات ۴۵ و ۴۶) این انجمن، همچنین آشپزخانه های عمومی و یک مدرسه برای مادران شاغل ایجاد نمود (R - Sitets) جنبش رهایی بخش زنان در روسیه، فمینیسم، نهیلیسم و بلشویسم - ۱۹۳۰ - ۱۸۶۰ - نیوجرسی (۱۹۷۸ - صفحه ۶۹)

انگیزه های انسان دوستانه دیگر نیز به ایجاد انجمن های دیگری انجامید که یکی از آنها انجمن "کمک به زنان نیازمند"، دیگری "توزیع کتب مفید" و سومی "تشویق علاقه به کار" بود. ازدرون این انجمن های خیریه کوچک آغازین، انجمن های بزرگتری پدید آمدند. در سال ۱۸۹۳ "انجمن خیریه کمک متقابل زنان روسیه" تاسیس شد (Rothchild - گولد برگ - صفحه ۷۵) که تا سال ۱۹۰۰، ۲۰۰۰ عضو داشت. این انجمن یک خوابگاه ۶۰ اتاقه برای زنان تحصیل کرده و یکی دیگر برای اقامت کوتاه مدت، یک کافه، یک مرکز خدمات اشتغال و یک مرکز نگهداری کودکان زنان کارگر. همچنین بحث هایی را در مورد تربیت اخلاقی،

جسمی و فکری کودکان سازماندهی می کرد و کمیته های ویژه برای کمک به قربانیان قحطی و سیل دایر کرده بود. در سال ۱۹۰۰، انجمن روسی حمایت از زنان به منظور مبارزه با فحشاء تاسیس شد. دو شاهزاده Evgeni Oldenburgskaia و Elena Sasken به نوبت ریاست این انجمن را برعهده داشتند و نوع دوستان ثروتمند معروفی، امثال بارون گینگزبورگ و کنتس پانودنا در زمره اعضای اداره کننده آن بودند (Sitets - صفحه ۱۹۲) مورخ فمینیسم روسی می نویسد:

"ترحم ناشی از ترس و پرهیزکاری امیدوارانه، عناصر اصلی دیدگاه اصلی فمینیست ها در برخورد با فحشاء بود و پاسخ آنها مراقبت از زنان سقوط کرده و تسلی معنوی برای مقاومت از بازگشت مجدد به خیابان ها بود. "خیرخواهی" سنتی بانوان روسی با رهبری آشکار ملکه بیوه های امپراطور و شاهزاده خانم ها تزئین و آرایش محقر، مهذب و بی روح بودند." (همانجا - ص ۶۵)

فمینیست های بورژوا

سال ۱۹۰۵، سال انقلاب، به بیداری میلیون ها زن طبقه کارگر، بورژوا و خرده بورژوا منجر شد. الکساندر کولنتای در بررسی این سالها نوشت: "سال ۱۹۰۵ هیچ گوشه و کناری را نمی شد یافت که در آن به نحوی از انحاء صدایی از زنان و بحث آنها در مورد کسب حقوق جدید در میان نباشد. (الکساندر کولنتای سن پترزبورگ - ص ۲۱) در مسکو، سن پترز - بورگ، مینسک، یالتا، ساراتو و اودسا میتینگ های علنی و عمومی حقوق زنان برای نخستین بار برگزار شدند. (Rothchild - گولد برگ - ص ۹۶)

در اواخر فوریه ۱۹۰۵ یک سازمان سیاسی فمینیستی بنیان گذارده شد که عمدتاً متشکل از زنان طبقات متوسط و روشنفکران بود. این سازمان "اتحادیه حقوق برابر زنان" نام داشت و اعضا رهبری آن ارتباطات نزدیکی با اتحادیه معلمان و شماری روزنامه نگار داشتند. صفوف آنها را دو زن سرشناس عضوزب کادت Anna tyrkova و Ariadna و Milukova تقویت نمودند.

"اتحادیه حقوق برابر زنان" به سرعت رشد کرد. در ۷ مه ۱۹۰۵، ۲۶ شعبه از ۱۹ شهر و شهرک، ۷۰ نماینده به نشست ۳ روزه اولین کنگره آن در مسکو فرستادند. (Rothchild - گولد برگ - صفحه ۹۶) در این اجلاس، شماری از زنان کارگر، قطعنامه ای ارائه کردند که

صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 398 feb 2003

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی